

کتاب تثنیه

این است سخنانی که موسی به آنطرف
 ۱ اردن، در بیابان عرب به مقابل سوف، در میان فاران و توفل و لابان و
 حضیروت و دی ذهب با تمامی اسرائیل گفت.
 ۲ از حوریب به راه جبل سعیر تا قادش برنیع، سفر یازده روزه است.
 ۳ پس در روز اول ماه یازدهم سال چهارم، موسی بنی اسرائیل را برحسب
 هر آنچه خداوند او را برای ایشان امر فرموده بود تکلم نمود،
 ۴ بعد از آنکه سیحون ملک اموریان را که در حشبون ساکن بود و عوج
 ملک باشان را که در عشتاروت در ادرعی ساکن بود، کشته بود.
 ۵ به آن طرف اردن در زمین موآب، موسی به بیان کردن این شریعت
 شروع کرده، گفت: دستور ترک حوریب
 ۶ یهوه خدای ما، ما را در حوریب خطاب کرده، گفت: «توقف شما
 در این کوه بس شده است.
 ۷ پس توجه نموده، کوچ کنید و به کوهستان اموریان، و جمیع حوالی
 آن از عرب و کوهستان وهامون و جنوب و نگاره دریا، یعنی زمین کنعانیان
 و لبنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد، داخل شوید.
 ۸ اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم. پس داخل شده، زمینی را
 که خداوند برای پدران شما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که به
 ایشان و بعد از آنها به ذریت ایشان بدهد، به تصرف آورید.»
 ۹ و در آن وقت به شما متکلم شده، گفتم: «من به تنهایی نمی توانم متحمل
 شما باشم.
 ۱۰ یهوه خدای شما، شما را افزوده است و اینک شما امروز مثل ستارگان
 آسمان کثیر هستید.

- ۱۱ یهوه خدای پدران شما، شما را هزار چندان که هستید بیفزاید و شما را بر حسب آنچه به شما گفته است، برکت دهد.
- ۱۲ لیکن من چگونه به تنهایی متحمل محنت و بار و منازعت شما بشوم.
- ۱۳ پس مردان حکیم و عاقل و معروف از اسباط خود بیاورید، تا ایشان را بر شما روسا سازم.»
- ۱۴ و شما در جواب من گفتید: «سخنی که گفتی نیکو است که بکنیم.»
- ۱۵ پس روسای اسباط شما را که مردان حکیم و معروف بودند گرفته، ایشان را بر شما روسا ساختم، تا سروران هزاره‌ها و سروران صدها و سروران پنجاهها و سروران دهها و ناظران اسباط شما باشند.
- ۱۶ و در آنوقت داوران شما را امر کرده، گفتم: دعوی برادران خود را بشنوید، و در میان هرکس و برادرش و غریبی که نزد وی باشد به انصاف داوری نمائید.
- ۱۷ و در داوری طرف داری مکنید، کوچک را مثل بزرگ بشنوید و از روی انسان مترسید، زیرا که داوری از آن خداست، و هر دعوی که برای شما مشکل است، نزد من بیاورید تا آن را بشنوم.
- ۱۸ و آن وقت همه چیزهایی را که باید بکنید، برای شما امر فرمودم.

تجسس کنعان

- ۱۹ پس از حوریب کوچ کرده، از تمامی این بیابان بزرگ و ترسناک که شما دیدید به راه کوهستان اموریان رفتیم، چنانکه یهوه خدای ما به ما امر فرمود و به قادش برنیع رسیدیم.
- ۲۰ و به شما گفتم: «به کوهستان اموریانی که یهوه خدای ما به ما می‌دهد، رسیده‌اید.

۲۱ اینک یهوه خدای تو، این زمین را پیش روی تو گذاشته است، پس برای و چنانکه یهوه خدای پدران تو گفته است، آن را به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش.»

۲۲ آنگاه جمیع شما نزد من آمده، گفتید: «مردان چند، پیش روی خود بفرستیم تا زمین را برای ما جاسوسی نمایند، و ما را از راهی که باید برویم و از شهرهایی که به آنها می‌رویم، خبر بیاورند.»

۲۳ و این سخن مرا پسند آمد، پس دوازده نفر از شما، یعنی یکی را از هر سبط گرفتم،

۲۴ و ایشان متوجه راه شده، به کوه برآمدند و به وادی اشکول رسیده، آن را جاسوسی نمودند.

۲۵ و از میوه زمین به دست خود گرفته، آن را نزد ما آوردند، و ما را مخبر ساخته، گفتند: «زمینی که یهوه خدای ما، به ما می‌دهد، نیکوست.»

عصیان قوم

۲۶ لیکن شما نخواستید که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید. ۲۷ و درخیمه‌های خود همه کرده، گفتید: «چونکه خداوند ما را دشمن داشت، ما را از زمین مصر بیرون آورد، تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده، هلاک سازد.»

۲۸ و حال کجا برویم چونکه برادران ما دل ما را گذاخته، گفتند که این قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار است، و نیز بنی‌عناق را در آنجا دیده‌ایم.»

۲۹ پس من به شما گفتم: «مترسید و از ایشان هراسان مباشید.»

۳۰ یهوه خدای شما که پیش روی شما می‌رود برای شما جنگ خواهد کرد، بر حسب هر آنچه به نظر شما در مصر برای شما کرده است.»

۳۱ و هم در بیابان که در آنجا دیدید چگونه یهوه خدای تو مثل کسی که پسر خود را می برد تو را در تمامی راه که می رفتی برمی داشت تا به اینجا رسیدید.

۳۲ لیکن با وجود این، همه شما به یهوه خدای خود ایمان نیاوردید.

۳۳ که پیش روی شما در راه می رفت تا جایی برای نزول شما بطلبد، وقت شب در آتش تا راهی را که به آن بروید به شما بنماید و وقت روز در ابر.

۳۴ و خداوند آواز سخنان شما را شنیده، غضبناک شد، و قسم خورده،

گفت:

۳۵ «هیچکدام از این مردمان و از این طبقه شریر، آن زمین نیکو را که

قسم خوردم که به پدران شما بدهم، هرگز نخواهند دید.

۳۶ سواى کالیب بن یفنه که آن را خواهد دید و زمینی را که در آن

رفته بود، به وی و به پسرانش خواهم داد، چونکه خداوند را پیروی کامل نمود.»

۳۷ و خداوند بخاطر شما بر من نیز خشم نموده، گفت که «تو هم داخل

آنجا نخواهی شد.

۳۸ یوشع بن نون که بحضور تو می ایستد داخل آنجا خواهد شد، پس او را

قوی گردان زیرا اوست که آن را برای بنی اسرائیل تقسیم خواهد نمود.

۳۹ و اطفال شما که درباره آنها گفتید که به یغما خواهند رفت، و پسران

شما که امروز نیک و بد را تمیز نمی دهند، داخل آنجا خواهند شد، و آن را به ایشان خواهم داد تا مالک آن بشوند.

۴۰ و اما شما روگردانیده از راه بحر قلزم به بیابان کوچ کنید.»

۴۱ و شما در جواب من گفتید که «به خداوند نگاه ورزیده ایم، پس رفته،

جنگ خواهیم کرد، موافق هر آنچه یهوه خدای ما به ما امر فرموده است،

و همه شما اسلحه جنگ خود را بسته، عزیمت کردید که به کوه برآید.

۴۲ آنگاه خداوند به من گفت: «به ایشان بگو که نروند و جنگ ننمایند زیرا که من در میان شما نیستم، مبادا از حضور دشمنان خود مغلوب شوید.»
 ۴۳ پس به شما گفتم، لیکن نشنیدید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید، و مغرور شده، به فراز کوه برآمدید.
 ۴۴ و اموریانی که در آن کوه ساکن بودند به مقابله شما بیرون آمده، شما را تعاقب نمودند، بطوری که زنبورها می کنند و شما را از سعیر تاحرما شکست دادند.
 ۴۵ پس برگشته، به حضور خداوند گریه نمودید، اما خداوند آواز شما را نشنید و به شما گوش نداد.
 ۴۶ و در قادش برحسب ایام توقف خود، روزهای بسیار ماندید.

۲

سرگردانی در بیابان

۱ پس برگشته، چنانکه خداوند به من گفته بود، از راه بحر قلزم در بیابان کوچ کردیم و روزهای بسیار کوه سعیر را دور زدیم.
 ۲ پس خداوند مرا خطاب کرده، گفت:
 ۳ «دور زدن شما به این کوه بس است، بسوی شمال برگردید.
 ۴ و قوم را امر فرموده، بگو که شما از حدود برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند باید بگذرید، و ایشان از شما خواهند ترسید، پس بسیار احتیاط کنید.
 ۵ و با ایشان منازعه نکنید، زیرا که از زمین ایشان بقدر کف پایی هم به شما نخواهم داد، چونکه کوه سعیر را به عیسو به ملکیت داده‌ام.
 ۶ خوراک را از ایشان به نقره خریده، بخورید و آب را نیز از ایشان به نقره خریده، بنوشید.»
 ۷ زیرا که یهوه خدای تو، تو را در همه کارهای دستت برکت داده است، و او راه رفتنت را در این بیابان بزرگ می داند، الان چهل سال است که یهوه خدایت با تو بوده است و به هیچ چیز محتاج نشده‌ای.

۸ پس از برادران خود بنی عیسوکه در سعیر ساکنند، از راه عربه از ایلت و عصیون جابر عبور نمودیم.

۹ پس برگشته، از راه بیابان موآب گذشتیم، و خداوند مرا گفت: «موآب را اذیت مرسان و با ایشان منازعت و جنگ منما، زیرا که از زمین ایشان هیچ نصیبی به شما نخواهم داد، چونکه عاررا به بنی لوط برای ملکیت داده‌ام.»

۱۰ ایمان که قوم عظیم و کثیر و بلند قد مثل عناقیان بودند، پیش در آنجا سکونت داشتند.

۱۱ ایشان نیز مثل عناقیان از رفائیان محسوب بودند، لیکن موآبیان ایشان را ایمان می‌خوانند.

۱۲ و حوریان در سعیر پیشتر ساکن بودند، و بنی عیسو ایشان را اخراج نموده، ایشان را از پیش روی خود هلاک ساختند، و در جای ایشان ساکن شدند، چنانکه اسرائیل به زمین میراث خود که خداوند به ایشان داده بود، کردند.

۱۳ الان برخیزید و از وادی زارد عبور نمایید. پس از وادی زارد عبور نمودیم.

۱۴ وایامی که از قادش برنیع راه می‌رفتیم تا از وادی زارد عبور نمودیم سی و هشت سال بود، تا تمامی آن طبقه مردان جنگی از میان اردو تمام شدند، چنانکه خداوند برای ایشان قسم خورده بود.

۱۵ و دست خداوند نیز بر ایشان می‌بود تا ایشان را از میان اردو بالکل هلاک کند.

۱۶ پس چون جمیع مردان جنگی از میان قوم بالکل مردند،

۱۷ آنگاه خداوند مرا خطاب کرده، گفت:

۱۸ «تو امروز از عار که سرحد موآب باشد، باید بگذری.

۱۹ و چون به مقابل بنی عمون برسی ایشان را مرنجان و با ایشان منازعه مکن، زیرا که از زمین بنی عمون نصیبی به تو نخواهم داد چونکه آن را به

بنی لوط به ملکیت داده‌ام.

۲۰) آن نیز زمین رفائیان شمرده می‌شود و رفائیان پیشتر ساکن آنجا بودند، لیکن عمونیان ایشان را زمزمیان می‌خوانند.

۲۱) ایشان قومی عظیم و کثیر و بلند قدمثل عناقیان بودند، و خداوند آنها را از پیش روی ایشان هلاک کرد، پس ایشان را اخراج نموده، در جای ایشان ساکن شدند.

۲۲) چنانکه برای بنی عیسو که در سعیر ساکنند عمل نموده، حوریان را از حضور ایشان هلاک ساخته، آنها را اخراج نمودند، و تا امروز در جای ایشان ساکنند.

۲۳) و عویان را که در دهات تا به غزا ساکن بودند گفتوریان که از گفتور بیرون آمدند هلاک ساخته، در جای ایشان ساکن شدند. (

۲۴) پس برخیزید و کوچ کرده، از وادی ارنون عبور کنید، اینک سیحون اموری ملک حشبون و زمین او را به دست تو دادم، به تصرف آن شروع کن و با ایشان جنگ نما.

۲۵) امروز شروع کرده، خوف و ترس تو را بر قومهای زیر تمام آسمان مستولی می‌گردانم، و ایشان آوازه تو را شنیده، خواهند لرزید، و از ترس تو مضطرب خواهند شد.»

پیروزی بر حشبون

۲۶) پس قاصدان با سخنان صالح‌آمیز از بیابان قدیموت نزد سیحون ملک حشبون فرستاده، گفتم:

۲۷) «اجازت بده که از زمین تو بگذرم، به شاهراه خواهم رفت و به طرف راست یا چپ میل نخواهم کرد.

۲۸) خوراک را به نقره به من بفروش تا بخورم، و آب را به نقره به من بده تا بنوشم، فقط اجازت بده تا بر پایهای خود بگذرم.

۲۹ چنانکه بنی عیسی که در سعیر ساکنند و موآبیان که در عارساکنند به من رفتار نمودند، تا از اردن به زمینی که یهوه خدای ما به ما می‌دهد، عبور نمایم.»

۳۰ اما سیحون ملک حبشون نخواست که ما را از سرحد خود راه بدهد، زیرا که یهوه خدای تو روح او را به قساوت و دل او را به سختی وا گذاشت، تا او را چنانکه امروز شده است، به دست تو تسلیم نماید.

۳۱ و خداوند مرا گفت: «اینک به تسلیم نمودن سیحون و زمین او به دست تو شروع کردم، پس بنا به تصرف آن بنا تا زمین او را مالک شوی.»

۳۲ آنگاه سیحون با تمامی قوم خود به مقابله ما برای جنگ کردن در یاهص بیرون آمدند.

۳۳ و یهوه خدای ما او را به دست ما تسلیم نموده، او را با پسرانش و جمیع قومش زدیم.

۳۴ و تمامی شهرهای او را در آنوقت گرفته، مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم.

۳۵ لیکن بهایم را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم، برای خود به غارت بردیم.

۳۶ از عروعر که بر کاره وادی ارنون است، و شهری که در وادی است، تا جلعاد قریه‌ای نبود که به ما ممنوع باشد، یهوه خدای ما همه را به ما تسلیم نمود.

۳۷ لیکن به زمین بنی عمون و به تمامی کاره وادی بیوق و شهرهای کوهستان، و به هر جایی که یهوه خدای ما نمی فرموده بود، نزدیک نشدیم.

۳

پیروزی بر باشان

۱ پس برگشته، به راه باشان رفتیم، و عوج ملک باشان با تمامی قوم خود به مقابله ما بیرون آمده، در ادرعی جنگ کرد.

۲ و خداوند مرا گفت: «از او مترس زیرا که او و تمامی قومش وزمینش را به دست تو تسلیم نموده‌ام، تا بطوری که با سیحون ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، عمل نمودی، با وی نیز عمل نمایی.»

۳ پس یهوه، خدای ما، عوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را به دست ما تسلیم نموده، او را به حدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند.

۴ و در آنوقت همه شهرهایش را گرفتیم، و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم، یعنی شصت شهر و تمامی مرزبوم ارجوب که مملکت عوج در باشان بود.

۵ جمیع اینها شهرهای حصاردار بادیه‌های بلند و دروازه‌ها و پشت بندها بود، سوای قرای بی حصار بسیار کثیر.

۶ و آنها را بالکل هلاک کردیم، چنانکه با سیحون، ملک حشبون کرده بودیم، هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم.

۷ و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود به غارت بردیم.

۸ و در آن وقت زمین را از دست دو ملک اموریان که به آن طرف اردن بودند، از وادی ارنون تا جبل حرمون، گرفتیم.

۹ و این حرمون را صیدونیان سریون می خوانند و اموریان آن را سنیر می خوانند.)

۱۰ تمام شهرهای هامون و تمامی جلعاد و تمامی باشان تا سلخه و ادرعی که شهرهای مملکت عوج در باشان بود.

۱۱ زیرا که عوج ملک باشان از بقیه رفائیان تنها باقی مانده بود. اینک تخت خواب او تخت آهنین است آیا آن در رب ت بنی عمون نیست. و طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع بر حسب ذراع آدمی می باشد.

تقسیم اراضی

۱۲ و این زمین را در آن وقت به تصرف آوردیم، و آن را از عروعیبر که برکنار وادی ارنون است و نصف کوهستان جلعاد؛ و شهرهایش را به

- رویینیان و جادیان دادم.
- ۱۳ و بقیه جلعاد و تمامی باشان را که مملکت عوج باشد به نصف سبطمنسی دادم، یعنی تمامی مرزبوم ارجوب را باتمامی باشان که زمین رفائیان نامیده می‌شود.
- ۱۴ یائیر بن منسی تمامی مرزبوم ارجوب را تا حدجشوریان و معیکان گرفت، و آنها را تا امروز به اسم خود باشان، حووت یائیر نامید.
- ۱۵ و جلعاد را به ماکیر دادم.
- ۱۶ و به رویینیان و جادیان، از جلعاد تا وادی ارنون، هم وسط وادی و هم کتاره‌اش تا وادی یبوق را که حد بنی عمون باشد، دادم.
- ۱۷ و عربیه را نیز و اردن و کتاره‌اش را از کتوت تا دریای عربیه که بحرالمح باشد، زیر دامنه‌های فسجه به طرف مشرق دادم.
- ۱۸ و در آن وقت به شما امر فرموده، گفتم: «یهوه خدای شما این زمین را به شما داده است تا آن را به تصرف آورید، پس جمیع مردان جنگی شما مهیا شده، پیش روی برادران خود، بنی اسرائیل، عبور کنید.
- ۱۹ لیکن زنان و اطفال و مواشی شما، چونکه می‌دانم مواشی بسیار دارید، در شهرهای شما که به شما دادم، بمانند.
- ۲۰ تا خداوند به برادران شما مثل شما آرامی دهد، و ایشان نیز زمینی را که یهوه خدای شما به آنطرف اردن به ایشان می‌دهد، به تصرف آورند، آنگاه هریکی از شما به ملک خود که به شما دادم، برگردید.»
- ۲۱ و در آن وقت یوشع را امر فرموده، گفتم: «هرآنچه یهوه، خدای شما، به این دو پادشاه کرده است، چشمان تو دید، پس خداوند با تمامی ممالکی که بسوی آنها عبور می‌کنی، چنین خواهد کرد.
- ۲۲ از ایشان مترسید زیرا که یهوه خدای شماست که برای شما جنگ می‌کند.»

منع ورود موسی به کنعان

- ۲۳ و در آنوقت نزد خداوند استغاثه کرده، گفتم:
- ۲۴ «ای خداوند یهوه تو به نشان دادن عظمت و دست قوی خود به بنده ات شروع کرده‌ای، زیرا کدام خداست در آسمان یا در زمین که مثل اعمال و جبروت تو می‌تواند عمل نماید.
- ۲۵ تمنا اینکه عبور نمایم و زمین نیکو را که به آنطرف اردن است و این کوه نیکو و لبنان را ببینم.»
- ۲۶ لیکن خداوند بخاطر شما با من غضبناک شده، مرا اجابت نمود و خداوند مرا گفت: «تو را کافی است. بار دیگر درباره این امر با من سخن مگو.
- ۲۷ به قله فسجه برآی و چشمان خود را به طرف مغرب و شمال و جنوب و مشرق بلند کرده، به چشمان خود بین، زیرا که از این اردن نخواستی گذشت.
- ۲۸ اما یوشع را امر فرموده، او را دلیر و قوی گردان، زیرا که او پیش این قوم عبور نموده، زمینی را که تو خواهی دید، برای ایشان تقسیم خواهد نمود.»
- ۲۹ پس در دره، در برابر بیت فغور توقف نمودیم.

۴

فرمان اطاعت

- ۱ پس الان ای اسرائیل، فرایض و احکامی را که من به شما تعلیم می‌دهم تا آنها را بجای آورید بشنوید، تا زنده بمانید و داخل شده، زمینی را که یهوه، خدای پدران شما، به شما می‌دهد به تصرف آورید.
- ۲ بر کلامی که من به شما امر می‌فرمایم چیزی میفزاید و چیزی از آن کم ننمایید، تا اوامر یهوه خدای خود را که به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید.
- ۳ چشمان شما آنچه را خداوند در بعل فغور کرد دید، زیرا هر که پیروی بعل فغور کرد، یهوه خدای تو، او را از میان تو هلاک ساخت.

- ۴ اما جمیع شما که به یهوه خدای خود ملصق شدید، امروز زنده ماندید.
- ۵ اینک چنانکه یهوه، خدایم، مرا امر فرموده است، فریاض و احکام به شما تعلیم نمودم، تا درزمینی که شما داخل آن شده، به تصرف می‌آورید، چنان عمل نمایید.
- ۶ پس آنها را نگاه داشته، بجا آورید زیرا که این حکمت و فطانت شماست، در نظر قومهایی که چون این فریاض را بشنوند، خواهند گفت: «هرآینه این طایفه‌ای بزرگ، قوم حکیم، و فطانت پیشه‌اند.»
- ۷ زیرا کدام قوم بزرگ است که خدا نزدیک ایشان باشد چنانکه یهوه، خدای ما است، در هر وقت که زداو دعا می‌کنیم؟
- ۸ و کدام طایفه بزرگ است که فریاض و احکام عادلانه‌ای مثل تمام این شریعی که من امروز پیش شما می‌گذارم، دارند؟
- ۹ لیکن احتراز نما و خویشتن را بسیار متوجه باش، مبادا این چیزهایی را که چشمانت دیده است فراموش کنی و مبادا اینها در تمامی ایام عمرت از دل تو محو شود، بلکه آنها را به پسرانت و پسران پسرانت تعلیم ده.
- ۱۰ در روزی که در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی و خداوند به من گفت: «قوم را نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوام، تا پیامونزده که در تمامی روزهایی که بر روی زمین زنده باشند از من بترسند، و پسران خود را تعلیم دهند.»
- ۱۱ و شما نزدیک آمده، زیر کوه ایستادید، و کوه تا به وسط آسمان به آتش و تاریکی و ابرها و ظلمت غلیظ می‌سوخت.
- ۱۲ و خداوند با شما از میان آتش متکلم شد، و شما آواز کلمات را شنیدید، لیکن صورتی ندیدید، بلکه فقط آواز را شنیدید.
- ۱۳ و عهد خود را که شما را به نگاه داشتن آن مامور فرمود، برای شما بیان کرد، یعنی ده کلمه را و آنها را بر دو لوح سنگ نوشت.

۱۴ و خداوند مرا در آنوقت امر فرمود که فرایض و احکام را به شما تعلیم دهم، تا آنها را در زمینی که برای تصرفش به آن عبور می کنید، بجا آورید.

منع بت‌پرستی

۱۵ پس خویشان را بسیار متوجه باشید، زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می نمود، هیچ صورتی ندیدید.

۱۶ مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده، یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید.

۱۷ یا شبیه هر بهیمه‌ای که بر روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می‌پرد.

۱۸ یا شبیه هر خزنده‌ای بر زمین یا شبیه هر ماهی‌ای که در آب‌های زیر زمین است.

۱۹ و مبادا چشمان خود را بسوی آسمان بلند کنی، و آفتاب و ماه و ستارگان و جمیع جنود آسمان را دیده، فریفته شوی و سجده کرده، آنها را که یهوه خدایت برای تمامی قوم‌هایی که زیر تمام آسمانند، تقسیم کرده است، عبادت نمایی.

۲۰ لیکن خداوند شما را گرفته، از کوره آهن از مصر بیرون آورد تا برای او قوم میراث باشید، چنانکه امروز هستید.

۲۱ و خداوند بخاطر شما بر من غضبناک شده، قسم خورد که از اردن عبور نکنم و به آن زمین نیکو که یهوه خدایت به تو برای ملکیت می‌دهد، داخل نشوم.

۲۲ بلکه من در این زمین خواهم مرد و از اردن عبور نخواهم کرد، لیکن شما عبور خواهید کرد، و آن زمین نیکو را به تصرف خواهید آورد.

۲۳ پس احتیاط نمائید، مبادا عهد یهوه، خدای خود را که با شما بسته است فراموش نمائید، و صورت تراشیده یا شبیه هر چیزی که یهوه خدایت به تو نهی کرده است، برای خود بسازی.

۲۴ زیرا که یهوه خدایت آتش سوزنده و خدای غیور است.

۲۵ چون پسران و پسران پسران را تولید نموده، و در زمین مدتی ساکن باشید، اگر فاسد شده، صورت تراشیده، و شبیه هر چیزی را بسازید و آنچه در نظر یهوه خدای شما بد است بجا آورده، او را غضبناک سازید،

۲۶ آسمان و زمین را امروز بر شما شاهد می آورم که از آن زمینی که برای تصرف آن از اردن بسوی آن عبور می کنید البته هلاک خواهید شد. و روزهای خود را در آن طویل نخواهید ساخت، بلکه بالکل هلاک خواهید شد.

۲۷ و خداوند شما را در میان قومها پراکنده خواهد نمود، و شما در میان طوایفی که خداوند شما را به آنجا می برد، قلیل العدد خواهید ماند.

۲۸ و در آنجا خدایان ساخته شده دست انسان از چوپ و سنگ راعبادت خواهید کرد، که نمی بینند و نمی شنوند و نمی خورند و نمی بویند.

۲۹ لیکن اگر از آنجا یهوه خدای خود را بطبی، او را خواهی یافت. بشرطی که او را به تمامی دل و به تمامی جان خود تفحص نمایی.

۳۰ چون در تنگی گرفتار شوی، و جمیع این وقایع بر تو عارض شود، در ایام آخر بسوی یهوه خدای خود برگشته، آواز او را خواهی شنید.

۳۱ زیرا که یهوه خدای تو خدای رحیم است، تو را ترک نخواهد کرد و تو را هلاک نخواهد نمود، و عهد پدران را که برای ایشان قسم خورده بود، فراموش نخواهد کرد.

۳۲ زیرا که از ایام پیشین که قبل از تو بوده است از روزی که خدا آدم را بر زمین آفرید، و از یک کتاره آسمان تا به کتاره دیگر پیرس که آیا مثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است؟

۳۳ آیا قومی هرگز آواز خدا را که از میان آتش متکلم شود، شنیده باشند و زنده بمانند، چنانکه تو شنیدی؟

۳۴ و آیا خدا عزیمت کرد که برود و قومی برای خود از میان قوم دیگر بگیرد با تجربه ها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بازوی دراز

شده و ترسهای عظیم، موافق هرآنچه یهوه خدای شما برای شما در مصر در نظر شما بعمل آورد؟

۳۵ این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست.

۳۶ از آسمان آواز خود را به تو شنوید تا تو را تادیب نماید، و بر زمین آتش عظیم خود را به تو نشان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی.

۳۷ و از این جهت که پدران تو را دوست داشته، ذریت ایشان را بعد از ایشان برگزیده بود، تو را به حضرت خود با قوت عظیم از مصر بیرون آورد.

۳۸ تا امتهای بزرگتر و عظیم تر از تو را پیش روی تو بیرون نماید و تو را در آورده، زمین ایشان را برای ملکیت به تو دهد، چنانکه امروز شده است. ۳۹ لهدا امروز بدان و در دل خود نگاه دار که یهوه خداست، بالا در آسمان و پایین بر روی زمین و دیگری نیست.

۴۰ و فرایض و اوامر او را که من امروز به تو امر می فرمایم نگاهدار، تا تو را و بعد از تو فرزندان تو را نیکو باشد و تا روزهای خود را بر زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد تا به ابد طویل نمایی.

شهرهای ملجا

۴۱ آنگاه موسی سه شهر به آن طرف اردن بسوی مشرق آفتاب جدا کرد.

۴۲ تا قاتلی که همسایه خود را نادانسته کشته باشد و پیشتر باوی بغض

نداشته به آنها فرار کند، و به یکی از این شهرها فرار کرده، زنده ماند.

۴۳ یعنی باصر در بیابان، در زمین همواری به جهت رویینیان، و راموت

در جلعاد به جهت جادیان، و جولان در باشان به جهت منسیان.

شریعت

۴۴ و این است شریعتی که موسی پیش روی بنی اسرائیل نهاد.

۴۵ این است شهادت و فرایض و احکامی که موسی به بنی اسرائیل

گفت، وقتی که ایشان از مصر بیرون آمدند.

۴۶ به آنطرف اردن در دره مقابل بیت فغور در زمین سیحون، ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، و موسی و بنی اسرائیل چون از مصر بیرون آمده بودند او را مغلوب ساختند.

۴۷ و زمین او را و زمین عوج ملک باشان را، دو ملک اموریانی که به آنطرف اردن بسوی مشرق آفتاب بودند، به تصرف آوردند.

۴۸ از عروعر که بر کناره وادی ارنون است تا جبل سیئون که حرمون باشد.

۴۹ و تمامی عربیه به آنطرف اردن بسوی مشرق تا دریای عربیه زیر دامنه های فسجه.

۵

ده فرمان

۱ و موسی تمامی بنی اسرائیل را خوانده، به ایشان گفت: ای اسرائیل فرایض و احکامی را که من امروز به گوش شما می گویم بشنوید، تا آنها را یاد گرفته، متوجه باشید که آنها را بجا آورید.

۲ یهوه خدای ما با ما در حوریب عهد بست.

۳ خداوند این عهد را با پدران ما بست، بلکه با ما که جمیع امروز در اینجا زنده هستیم.

۴ خداوند در کوه از میان آتش با شما رو برو متکلم شد.

۵) من در آن وقت میان خداوند و شما ایستاده بودم، تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم، زیرا که شما به سبب آتش می ترسیدید و به فراز کوه بر نیامدید) و گفت:

۶ «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم.

۷ تو را به حضور من خدایان دیگر نباشند.

- ۸ «به جهت خود صورت تراشیده یا هیچ مثالی از آنچه بالا در آسمان، یا از آنچه پایین در زمین، یا از آنچه در آبهای زیر زمین است مساز.
- ۹ آنها را سجده و عبادت منما. زیرا من که یهوه خدای تو هستم، خدای غیورم، و گاه پدران را بر پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرادشمن دارند، می‌رسانم.
- ۱۰ و رحمت می‌کنم تاهزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند.
- ۱۱ «نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل برد، بی‌گناه نخواهد شمرد.
- ۱۲ «روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما، چنانکه یهوه خدایت به تو امر فرموده است.
- ۱۳ شش روز مشغول باش و هر کار خود را بکن.
- ۱۴ اما روز هفتمین سبت یهوه خدای توست، در آن هیچکاری مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و گاو و الاغت و همه بهایمت و مهمانت که در اندرون دروازه های تو باشد، تا غلامت و کنیزت مثل تو آرام گیرند.
- ۱۵ و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی، و یهوه خدایت تو را به دست قوی و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد، بنابراین یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است که روز سبت را نگاه داری.
- ۱۶ «پدر و مادر خود را حرمت دار، چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است، تا روزهای دراز شود و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تومی بخشد، نیکویی باشد.
- ۱۷ «قتل مکن.
- ۱۸ و زنا مکن.
- ۱۹ و دزدی مکن.
- ۲۰ و بر همسایه خود شهادت دروغ مده.

۲۱ و برزن هسمایه ات طمع مورز، و به خانه همسایه ات و به مزرعه او و به غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هرچه از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.»

۲۲ این سخنان را خداوند به تمامی جماعت شما در کوه از میان آتش و ابر و ظلمت غلیظ به آواز بلند گفت، و بر آنها چیزی نیفزود و آنها را برد و لوح سنگ نوشته، به من داد.

۲۳ و چون شما آن آواز را از میان تاریکی شنیدید، و کوه به آتش می سوخت، شما با جمیع روسای اسباط و مشایخ خود نزد من آمده،

۲۴ گفتید: اینک یهوه، خدای ما، جلال و عظمت خود را بر ما ظاهر کرده است، و آواز او را از میان آتش شنیدیم، پس امروز دیدیم که خدا با انسان سخن می گوید و زنده است.

۲۵ و اما الان چرا بمیریم زیرا که این آتش عظیم ما را خواهد سوخت، اگر آواز یهوه خدای خود را دیگر بشنوم، خواهیم مرد.

۲۶ زیرا از تمامی بشر کیست که مثل ما آواز خدای حی را که از میان آتش سخن گوید، بشنود و زنده ماند؟

۲۷ تو نزدیک برو و هرآنچه یهوه خدای ما بگوید، بشنو و هرآنچه یهوه خدای مابه تو بگوید برای ما بیان کن، پس خواهیم شنید و به عمل خواهیم آورد.

۲۸ و خداوند آواز سخنان شما را که به من گفتید شنید، و خداوند مرا گفت: «آواز سخنان این قوم را که به تو گفتند، شنیدم؛ هرچه گفتند نیکو گفتند.»

۲۹ کاش که دلی را مثل این داشتند تا از من می ترسیدند، و تمامی اوامر مرا در هر وقت بجا می آوردند، تا ایشان را و فرزندان ایشان را تا به ابد نیکو باشد.

۳۰ برو و ایشان را بگو به خیمه های خود برگردید.

۳۱ و اما تو در اینجا پیش من بایست، تا جمیع اوامر و فرایض واحکامی را که می‌باید به ایشان تعلیم دهی به تو بگویم، و آنها را در زمینی که من به ایشان می‌دهم تا در آن تصرف نمایید، بجا آورند.»

۳۲ «پس توجه نمایید تا آنچه یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، به عمل آورید، و به راست و چپ انحراف ننمایید.
۳۳ در تمامی آن طریقی که یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، سلوک نمایید، تا برای شما نیکو باشد و ایام خود را در زمینی که به تصرف خواهید آورد، طویل نمایید.»

۶

محبت و اطاعت خداوند

۱ و این است اوامر و فرایض و احکامی که یهوه، خدای شما، امر فرمود که به شما تعلیم داده شود، تا آنها را در زمینی که شما بسوی آن برای تصرف عبور می‌کنید، بجا آورید.

۲ و تا از یهوه خدای خود ترسان شده، جمیع فرایض و اوامر او را که من به شما امر می‌فرمایم نگاه داری، تو و پسررت و پسر پسررت، در تمامی ایام عمرت و تا عمر تو دراز شود.

۳ پس ای اسرائیل بشنو، و به عمل نمودن آن متوجه باش، تا برای تو نیکو باشد، و بسیار افزوده شوی در زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدرانت تورا وعده داده است.

۴ ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است.

۵ پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.

۶ و این سخنانی که من امروز تورا امر می‌فرمایم، بر دل تو باشد.

۷ و آنها را به پسرانت به دقت تعلیم نما، و حین نشستنت در خانه، و رفتنت

به راه، و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما.

۸ و آنها را بردست خود برای علامت ببند، و در میان چشمانت عصابه باشد.

۹ و آنها را بر باهوه‌های درخانه ات و بر دروازه هایت بنویس.

۱۰ و چون یهوه، خدایت، تورا به زمینی که برای پدرانت ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورد که به تو بدهد، درآورد، به شهرهای بزرگ و خوشنمایی که تو بنا نکرده‌ای،

۱۱ و به خانه‌های پر از هر چیز نیکو که پر نکرده‌ای، و حوضهای کنده شده‌ای که نکرده‌ای، و تاکستانها و باغهای زیتونی که غرس نموده‌ای، و از آنها خورده، سیر شدی.

۱۲ آنگاه با حذر باش مبادا خداوند را که تورا از زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی.

۱۳ از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور.

۱۴ خدایان دیگر را از خدایان طوائفی که به اطراف تومی باشند، پیروی مکنماید.

۱۵ زیرا یهوه خدای تودر میان تو خدای غیور است، مبادا غضب یهوه، خدایت، بر تو افروخته شود، و تورا از روی زمین هلاک سازد.

۱۶ یهوه خدای خود را میازماید، چنانکه او را در مسا آزمودید.

۱۷ توجه نماید تا او امر یهوه خدای خود را و شهادت و فرایض او را که به شما امر فرموده است، نگاه دارید.

۱۸ و آنچه در نظر خداوند راست و نیکوست، به عمل آور تا برای تو نیکو شود، و داخل شده آن زمین نیکو را که خداوند برای پدرانت قسم خورد به تصرف آوری.

۱۹ و تا جمیع دشمنانت را از حضورت اخراج نماید، چنانکه خداوند گفته است.

۲۰ چون پسر تو در ایام آینده از تو سوال نموده، گوید که مراد از این شهادت و فرایض واحکامی که یهوه خدای ما به شما امر فرموده است، چیست؟

- ۲۱ پس به پسر خود بگو: ما در مصر غلام فرعون بودیم، و خداوند ما را از مصر بادست قوی بیرون آورد.
- ۲۲ و خداوند آیات و معجزات عظیم و ردی‌ای بر مصر و فرعون و تمامی اهل خانه او در نظر ما ظاهر ساخت.
- ۲۳ و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را به زمینی که برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، درآورد.
- ۲۴ و خداوند ما را مامور داشت که تمام این فریض را بجا آورده، از یهوه خدای خود بترسیم، تا برای ما همیشه نیکو باشد و ما را زنده نگاه دارد، چنانکه تا امروز شده است.
- ۲۵ و برای ما عدالت خواهد بود که متوجه شویم که جمیع این اوامر را به حضور یهوه خدای خود بجا آوریم، چنانکه ما را امر فرموده است.

۷

تصرف امتها

- ۱ چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا می‌روی درآورد، و امت‌های بسیار را که حتیان و جرجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزندان و حویان و ییوسیان، هفت امت بزرگتر و عظیم تر از تو باشند، از پیش تو اخراج نماید.
- ۲ و چون یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم نماید، و تو ایشان را مغلوب سازی، آنگاه ایشان را بالکل هلاک کن، و با ایشان عهد مبند و بر ایشان ترحم منما.
- ۳ و با ایشان مصاهرت منما؛ دختر خود را به پسر ایشان مده، و دختر ایشان را برای پسر خود مگیر.
- ۴ زیرا که اولاد تو را از متابعت من برخوانند گردانید، تاخدایان غیر را عبادت نمایند، و غضب خداوند بر شما افروخته شده، شما را بزودی هلاک خواهد ساخت.

۵ بلکه با ایشان چنین عمل نمایید؛ مذبحهای ایشان را منهدم سازید، و تمثالهای ایشان را بشکنید و اشیریم ایشان را قطع نمایید، و بتهای تراشیده ایشان را به آتش بسوزانید.

۶ زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی. یهوه خدایت تو را برگزیده است تا از جمیع قومهایی که بر روی زمین اند، قوم مخصوص برای خود او باشی.

۷ خداوند دل خود را با شما نبست و شما را برنگزید از این سبب که از سایر قوما کثیرتر بودید، زیرا که شما از همه قوما قلیلتر بودید.

۸ لیکن از این جهت که خداوند شما را دوست می داشت، و می خواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود، بجا آورد، پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد، و از خانه بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر، فدیه داد.

۹ پس بدان که یهوه، خدای تو، اوست خدا، خدای امین که عهد و رحمت خود را با آتانی که او را دوست می دارند و اوامر او را بجا می آورند تا هزار پشت نگاه می دارد.

۱۰ و آتانی را که او را دشمن دارند، بر روی ایشان مکافات رسانیده، ایشان را هلاک می سازد. و به هرکه او را دشمن دارد، تاخیر نموده، او را بر رویش مکافات خواهد رسانید.

۱۱ پس اوامر و فرایض و احکامی را که من امروزه جهت عمل نمودن به تو امر می فرمایم نگاه دار.

۱۲ پس اگر این احکام را بشنوید و آنها را نگاه داشته، بجا آورید، آنگاه یهوه خدایت عهد و رحمت را که برای پدران قسم خورده است، با تو نگاه خواهد داشت.

۱۳ و تو را دوست داشته، برکت خواهد داد، و خواهد افزود، و میوه بطن تو و میوه زمین تو را و غله و شیر و روغن تو را و نتاج رمه تو را و بچه های گله تو را، در زمینی که برای پدران قسم خورد که به تو بدهد،

- برکت خواهد داد.
- ۱۴ از همه قوما مبارک تر خواهی شد، و در میان شما و بهایم شما، نریا ماده، نازاد نخواهد بود.
- ۱۵ و خداوند هر بیماری را از تو دور خواهد کرد، و هیچکدام از مرضهای بد مصر را که می دانی، بر تو عارض نخواهد گردانید، بلکه بر تمامی دشمنانت آنها را خواهد آورد.
- ۱۶ و تمامی قوما را که یهوه بدست تو تسلیم می کند هلاک ساخته، چشم تو بر آنها ترحم ننماید، و خدایان ایشان را عبادت منما، مبادا برای تو دام باشد.
- ۱۷ و اگر در دلت گویی که این قوما از من زیاده اند، چگونه توانم ایشان را اخراج نمایم؟
- ۱۸ از ایشان مترس بلکه آنچه را یهوه خدایت با فرعون و جمیع مصریان کرد، نیکو بیاد آور.
- ۱۹ یعنی تجربه های عظیمی را که چشمانت دیده است، و آیات و معجزات و دست قوی و بازوی دراز را که یهوه، خدایت، تو را به آنها بیرون آورد. پس یهوه، خدایت، با همه قومهایی که از آنها می ترسی، چنین خواهد کرد.
- ۲۰ و یهوه خدایت نیز زنبورها در میان ایشان خواهد فرستاد، تا باقی ماندگان و پنهان شدگان ایشان از حضور تو هلاک شوند.
- ۲۱ از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که در میان توست، خدای عظیم و مهیب است.
- ۲۲ و یهوه، خدایت، این قوما را از حضور تو به تدریج اخراج خواهد نمود، ایشان را بزودی نمی توانی تلف نمایی مبادا و وحش صحرا بر تو زیاد شوند.
- ۲۳ لیکن یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم خواهد کرد، و ایشان را به اضطراب عظیمی پریشان خواهد نمود تا هلاک شوند.
- ۲۴ و ملوک ایشان را بدست تو تسلیم خواهد نمود، تا نام ایشان را از

زیر آسمان محوسازی، و کسی یارای مقاومت با تو نخواهد داشت تا ایشان را هلاک سازی.

۲۵ و تمثالهای خدایان ایشان را به آتش بسوزانید، به نقره و طلائی که بر آنهاست، طمع مورز، و برای خودمگیر، مبادا از آنها به دام گرفتار شوی، چونکه نزد یهوه، خدای تو، مکروه است.

۲۶ و چیز مکروه را به خانه خود میاور، مبادا مثل آن حرام شوی، از آن نهایت نفرت و کراهت دار چونکه حرام است.

۸

حفظ اوامر خداوند

۱ تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می فرمایم، حفظ داشته، بجا آورید، تا زنده مانده، زیاد شوید، و به زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود، داخل شده، در آن تصرف ننمایید.

۲ و بیاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را ذلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بدانند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه.

۳ و او تو را ذلیل و گرسنه ساخت و من را به تو خورانید که نه تو آن رامی دانستی و نه پدرانت می دانستند، تا تو را پیاموزاند که انسان نه به نان تنها زیست می کند بلکه به هر کلمه ای که از دهان خداوند صادر شود، انسان زنده می شود.

۴ در این چهل سال لباس تو در برت مندرس نشد، و پای تو آماس نکرد. ۵ پس در دل خود فکر کن که بطوری که پدر، پسر خود را تادیب می نماید، یهوه خدایت تو را تادیب کرده است.

۶ و اوامر یهوه خدای خود را نگاه داشته، در طریقه های او سلوک نما و از او بترس.

۷ زیرا که یهوه خدایت تو را به زمین نیکو درمی آورد؛ زمین پر از نهرهای آب و از چشمه ها و دریاچه ها که از دره ها و کوهها جاری می شود.

۸ زمینی که پر از گندم و جو و مو و انجیرو انار باشد، زمینی که پر از زیتون زیت و عسل است.

۹ زمینی که در آن نان را به تنگی نخواهی خورد، و در آن محتاج به هیچ چیز نخواهی شد، زمینی که سنگهایش آهن است، و از کوههایش مس خواهی کند.

۱۰ و خورده، سیر خواهی شد، و یهوه خدای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است، متبارک خواهی خواند.

۱۱ پس باحذر باش، مبادا یهوه خدای خود را فراموش کنی و اوامر و احکام و فرایض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، نگاه نداری.

۱۲ مبادا خورده، سیر شوی، و خانه‌های نیکو بنا کرده، در آن ساکن شوی.

۱۳ و رمه و گله تو زیاد شود، و نقره و طلا برای تو افزون شود، و مایملک تو افزوده گردد.

۱۴ و دل تو مغرور شده، یهوه خدای خود را که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی.

۱۵ که تو را در بیابان بزرگ و خوفناک که در آن مارهای آتشین و عقربها و زمین تشنه بی‌آب بود، رهبری نمود، که برای تو آب از سنگ خارا بیرون آورد.

۱۶ که تو را در بیابان من را خورانید که پدران تو آن را ندانسته بودند، تا تو را ذلیل سازد و تو را بیازماید و بر تو در آخرت احسان نماید.

۱۷ مبادا در دل خود بگویی که قوت من و توانایی دست من، این توانگری را از برایم پیدا کرده است.

۱۸ بلکه یهوه خدای خود را بیاد آور، زیرا اوست که به تو قوت می‌دهد تا توانگری پیدا نمایی، تا عهد خود را که برای پدران تو قسم خورده بود، استوار بدارد، چنانکه امروز شده است.

۱۹ و اگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده،

آنها را عبادت و سجده نمایی، امروز بر شما شهادت می‌دهم که البته هلاک خواهید شد.

۲۰ مثل قومایی که خداوند پیش روی تو هلاک می‌سازد، شما همچنین هلاک خواهید شد از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیدید.

۹

۱ ای اسرائیل بشنو. تو امروز از اردن عبور می‌کنی، تا داخل شده، قومایی را که از تو عظیم تر و قوی تراند، و شهرهای بزرگ را که تا به فلک حصاردار است، به تصرف آوری،

۲ یعنی قوم عظیم و بلند قد بنی عناق را که می‌شناسی و شنیده‌ای که گفته‌اند کیست که یارای مقاومت با بنی عناق داشته باشد.

۳ پس امروز بدان که یهوه، خدایت، اوست که پیش روی تو مثل آتش سوزنده عبور می‌کند، و او ایشان را هلاک خواهد کرد، و پیش روی تو ذلیل خواهد ساخت، پس ایشان را اخراج نموده، بزودی هلاک خواهی نمود، چنانکه خداوند به تو گفته است.

۴ پس چون یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج نماید، در دل خود فکر مکن و مگو که به سبب عدالت من، خداوند مرا به این زمین درآورد تا آن را به تصرف آورم، بلکه به سبب شرارت این امتها، خداوند ایشان را از حضور تو اخراج می‌نماید.

۵ نه به سبب عدالت خود و نه به سبب راستی دل خویش داخل زمین ایشان برای تصرف می‌شوی، بلکه به سبب شرارت این امتها، یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج می‌نماید، و تا آنکه کلامی را که خداوند برای پدران، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده بود، استوار نماید.

۶ پس بدان که یهوه، خدایت، این زمین نیکو را به سبب عدالت تو به تو نمی‌دهد تا در آن تصرف نمایی، زیرا که قومی گردن کش هستی.

- ۷ پس بیادآور و فراموش مکن که چگونه خشم یهوه خدای خود را در بیابان جنبش دادی و از روزی که از زمین مصر بیرون آمدی تا به اینجا رسیدی به خداوند عاصی می شدیدی.
- ۸ و در حوریب خشم خداوند را جنبش دادید، و خداوند بر شما غضبناک شد تا شما راهلاک نماید.
- ۹ هنگامی که من به کوه برآمدم تالوهای سنگ یعنی لوحهای عهدی را که خداوند با شما بست، بگیرم، آنگاه چهل روز و چهل شب در کوه ماندم؛ نه نان خوردم و نه آب نوشیدم.
- ۱۰ و خداوند دو لوح سنگ مکتوب شده به انگشت خدا را به من داد و بر آنها موافق تمامی سخنانی که خداوند در کوه از میان آتش در روز اجتماع به شما گفته بود، نوشته شد.
- ۱۱ و واقع شد بعد از انقضای چهل روز و چهل شب که خداوند این دو لوح سنگ یعنی لوحهای عهد را به من داد،
- ۱۲ و خداوند مرا گفت: «برخاسته، از اینجا به زودی فرود شو زیرا قوم تو که از مصر بیرون آوردی فاسد شده اند، و از طریقی که ایشان را امر فرمودم به زودی انحراف ورزیده، بتی ریخته شده برای خود ساختند.»
- ۱۳ و خداوند مرا خطاب کرده، گفت: «این قوم را دیدم و اینک قوم کردن کش هستند.
- ۱۴ مرا واگذار تا ایشان را هلاک سازم و نام ایشان را از زیر آسمان محو کنم و از توفیقی قوی تر و کثیرتر از ایشان وجود آورم.»
- ۱۵ پس برگشته، از کوه فرود آمدم و کوه به آتش می سوخت و دو لوح عهد در دو دست من بود.
- ۱۶ و نگاه کرده، دیدم که به یهوه خدای خودگاه ورزیده، گوساله ای ریخته شده برای خود ساخته و از طریقی که خداوند به شما امر فرموده بود، به زودی برگشته بودید.

۱۷ پس دو لوح را گرفتم و آنها را از دو دست خود انداخته، در نظر شما شکستم.

۱۸ و مثل دفعه اول، چهل روز و چهل شب به حضور خداوند به روی درافتادم؛ نه نان خوردم و نه آب نوشیدم، به سبب همه گناهان شما که کرده و کار ناشایسته که در نظر خداوند عمل نموده، خشم او را به هیجان آوردید.

۱۹ زیرا که از غضب و حدت خشمی که خداوند بر شما نموده بود تا شما را هلاک سازد، می ترسیدم، و خداوند آن مرتبه نیز مرا اجابت نمود.

۲۰ و خداوند بر هارون بسیا غضبناک شده بود تا او را هلاک سازد، و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم.

۲۱ و اما نگاه شما یعنی گوساله‌ای را که ساخته بودید، گرفتم و آن را به آتش سوزانیدم و آن را خرد کرده، نیکو ساییدم تا مثل غبار نرم شد، و غبارش را به نهری که از کوه جاری بود، پاشیدم.

۲۲ و در تبعیره و مسا و کبروت هتاوه خشم خداوند را به هیجان آوردید.

۲۳ و وقتی که خداوند شما را از قادش برنیع فرستاده، گفت: بروید و در زمینی که به شما داده‌ام تصرف نمایید، از قول یهوه خدای خود عاصی شدید و به او ایمان نیاورده، آواز او را نشنیدید.

۲۴ از روزی که شما را شناختم به خداوند عصیان ورزیده‌اید.

۲۵ پس به حضور خداوند به روی درافتادم در آن چهل روز و چهل شب که افتاده بودم، از این جهت که خداوند گفته بود که شما را هلاک سازد.

۲۶ و نزد خداوند استدعا نموده، گفتم: «ای خداوند یهوه، قوم خود و میراث خود را که به عظمت خود فدیة دادی و به دست قوی از مصر بیرون آوردی، هلاک مساز.»

۲۷ بندگان خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب را بیاد آور، و بر سخت دلی این

قوم و شرارت و نگاه ایشان نظر منما.

۲۸ مبادا اهل زمینی که ما را از آن بیرون آوردی، بگویند چونکه خداوند نتوانست ایشان را به زمینی که به ایشان وعده داده بود درآورد، و چونکه ایشان را دشمن می‌داشت، از این جهت ایشان را بیرون آورد تا در بیابان هلاک سازد.

۲۹ لیکن ایشان قوم تو و میراث تو هستند که به قوت عظیم خود و به بازوی افراشته خویش بیرون آوردی.»

۱۰

دو لوح جدید

۱ و در آن وقت خداوند به من گفت: «دو لوح سنگ موافق اولیه برای خود بتراش، و نزد من به کوه برآی، و تابوتی از چوب برای خود بساز. ۲ و بر این لوحها کلماتی را که بر لوحهای اولین که شکستی بود، خواهم نوشت، و آنها را در تابوت بگذار.»

۳ پس تابوتی از چوب سنط ساختم، و دو لوح سنگ موافق اولین تراشیدم، و آن دو لوح را در دست داشته، به کوه برآمدم.

۴ و بر آن دو لوح موافق کتابت اولین، آن ده کلمه را که خداوند در کوه از میان آتش، در روز اجتماع به شما گفته بود نوشت، و خداوند آنها را به من داد.

۵ پس برگشته، از کوه فرود آمدم، و لوحها را در تابوتی که ساخته بودم گذاشتم، و در آنجا هست، چنانکه خداوند مرا امر فرموده بود.

۶ و بنی اسرائیل از بیروت بنی یعقان به موسیره کوچ کردند، و در آنجا هارون مرد و در آنجا دفن شد. و پسرش العازار در جایش به کهنات پرداخت.

۷ و از آنجا به جدجوده کوچ کردند، و از جدجوده به یطبات که زمین نهرهای آب است.

۸ در آنوقت خداوند سبط لاوی را جدا کرد، تا تابوت عهد خداوند را بردارند، و به حضور خداوند ایستاده، او را خدمت نمایند، و به نام او برکت دهند، چنانکه تا امروز است.

۹ بنابراین لاوی را در میان برادرانش نصیب و میراثی نیست؛ خداوند میراث وی است، چنانکه یهوه خدایت به وی گفته بود.

۱۰ و من در کوه مثل روزهای اولین، چهل روز و چهل شب توقف نمودم، و در آن دفعه نیز خداوند مرا اجابت نمود، و خداوند نخواست تورا هلاک سازد.

۱۱ و خداوند مرا گفت: «برخیز و پیش روی این قوم روانه شو تا به زمینی که برای پدران ایشان قسم خوردم که به ایشان بدهم داخل شده، آن را به تصرف آورند.»

ترس خداوند

۱۲ پس الانای اسرائیل، یهوه خدایت از توجه می خواهد، جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقههای سلوک نمایی، و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی.

۱۳ و او امر خداوند و فریض او را که من امروز تورا برای خیریت امر می فرمایم، نگاه داری.

۱۴ اینک فلک و فلک الافلاک از آن یهوه خدای توست، و زمین و هر آنچه در آن است.

۱۵ لیکن خداوند به پدران تو رغبت داشته، ایشان را محبت می نمود، و بعد از ایشان ذریت ایشان، یعنی شما را از همه قومها برگزید، چنانکه امروز شده است.

۱۶ پس غلفه دلهای خود را مختون سازید، و دیگر گردن کشتی ننمایید.

۱۷ زیرا که یهوه خدای شما خدای خدایان و رب الارباب، و خدای عظیم و جبار و مهیب است، که طرفداری ندارد و رشوه نمی گیرد.

۱۸ یتیمان و یتیمه‌زنان را دادرسی می‌کند، و غریبان را دوست داشته، خوراک و پوشاک به ایشان می‌دهد.

۱۹ پس غریبان را دوست دارید، زیرا که در زمین مصر غریب بودید.
۲۰ از یهوه خدای خود بترس، و او را عبادت نما و به او ملصق شو و به نام او قسم بخور.

۲۱ او نفرتوست و او خدای توست که برای تو این اعمال عظیم و مہیبی که چشمانت دیده بجا آورده است.
۲۲ پدران تو با هفتاد نفر به مصر فرود شدند و الان یهوه خدایت، تو را مثل ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

۱۱

خدا را دوست بدار

۱ پس یهوه خدای خود را دوست بدار، و ودیعت و فریاض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگاهدار.

۲ و امروز بدانید، زیرا که به پسران شما سخن نمی‌گویم که ندانسته‌اند، و تادیب یهوه خدای شما را ندیده‌اند، و نه عظمت و دست قوی و بازوی افرشته او را.

۳ آیات و اعمال او را که در میان مصر، به فرعون، پادشاه مصر، و به تمامی زمین او بظهور آورد.

۴ و آنچه را که به لشکر مصریان، به اسبها و به ازابه‌های ایشان کرد، که چگونه آب بحر قلزم را برایشان جاری ساخت، وقتی که شما را تعاقب می‌نمودند، و چگونه خداوند، ایشان را تا به امروز هلاک ساخت.

۵ و آنچه را که برای شما در بیابان کرد تا شما به اینجا رسیدید.

۶ و آنچه را که به داتان و ابیرام پسران الیاب بن روبین کرد، که چگونه زمین دهان خود را گشوده، ایشان را و خاندان و خیمه‌های ایشان را، و هر ذی حیات را که همراه ایشان بود در میان تمامی اسرائیل بلعید.

۷ لیکن چشمان شما تمامی اعمال عظیمه خداوند را که کرده بود، دیدند.

۸ پس جمیع اوامری را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم نگاه دارید، تا قوی شوید و داخل شده، زمینی را که برای گرفتن آن عبور می‌کنید، به تصرف آورید.

۹ و تا در آن زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که آن را به ایشان و ذریت ایشان بدهد، عمر دراز داشته باشید، زمینی که به شیر و شهد جاری است.

۱۰ زیرا زمینی که تو برای گرفتن آن داخل می‌شوی، مثل زمین مصر که از آن بیرون آمدی نیست، که در آن تخم خود را می‌کاشتی و آن را مثل باغ بقول به پای خود سیراب می‌کردی.

۱۱ لیکن زمینی که شما برای گرفتنش به آن عبور می‌کنید، زمین کوهها و دره هاست که از بارش آسمان آب می‌نوشد،

۱۲ زمینی است که یهوه خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یهوه خدایت از اول سال تا آخر سال پیوسته بر آن است.

۱۳ و چنین خواهد شد که اگر اوامری را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم، بشنوید، و یهوه خدای خود را دوست بدارید، و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمائید،

۱۴ آنگاه باران زمین شما یعنی باران اولین و آخرین را در موسم شما خواهم بخشید، تا غله و شیره و روغن خود را جمع نمایی.

۱۵ و در صحرائی تو برای بهایمت علف خواهم داد تا بخوری و سیر شوی.

۱۶ باحذر باشید مبادا دل شما فریفته شود و برگشته، خدایان دیگر را عبادت و سجده نمائید.

۱۷ و خشم خداوند بر شما افروخته شود، تا آسمان را مسدود سازد، و باران

نبارد، و زمین محصول خود را ندهد و شما از زمین نیکویی که خداوند به شما می‌دهد، بزودی هلاک شوید.

۱۸ پس این سخنان مرا در دل و جان خود جادهید، و آنها را بر دستهای

خود برای علامت ببندید، و در میان چشمان شما عصابه باشد.

۱۹ و آنها را به پسران خود تعلیم دهید، و حین نشستنت در خانه خود، و رفتنت به راه، و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نمائید.

۲۰ و آنها را بر باهوهای در خانه خود و بر دروازه های خود بنویسید.

۲۱ تا ایام شما و ایام پسران شما برزمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به ایشان بدهد، کثیر شود، مثل ایام افلاک بر بالای زمین.

۲۲ زیرا اگر تمامی این اوامر را که من به جهت عمل نمودن به شما امر می فرمایم، نیکو نگاه دارید، تا یهوه خدای خود را دوست دارید، و در تمامی طریقهای او رفتار نموده، به او ملصق شوید،

۲۳ آنگاه خداوند جمیع این امتهای را از حضور شما اخراج خواهد نمود، و شما امتهای بزرگتر و قویتر از خود را تسخیر خواهید نمود.

۲۴ هر جایی که کف پای شما بر آن گذارده شود، از آن شما خواهد بود، از بیابان و لبنان و از نهر، یعنی نهر فرات تا دریای غربی، حدود شما خواهد بود.

۲۵ و هیچکس یارای مقاومت با شما نخواهد داشت، زیرا یهوه خدای شما ترس و خوف شما را بر تمامی زمین که به آن قدم می زنید مستولی خواهد ساخت، چنانکه به شما گفته است.

۲۶ اینک من امروز برکت و لعنت پیش شما می گذارم.

۲۷ اما برکت، اگر اوامر یهوه خدای خود را که من امروز به شما امر می فرمایم، اطاعت نمائید.

۲۸ و اما لعنت، اگر اوامر یهوه خدای خود را اطاعت ننموده، از طریقی که من امروز به شما امر می فرمایم برگردید، و خدایان غیر را که شناخته اید، پیروی نمائید.

۲۹ و واقع خواهد شد که چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که به جهت گرفتنش به آن می روی داخل سازد، آنگاه برکت را بر کوه جرزیم و لعنت را بر کوه ایبال خواهی گذاشت.

۳۰ آیا آنها به آنطرف اردن نیستند پشت راه غروب آفتاب، در زمین کنعانیانی که در عرب به ساکنند مقابل جلیل نزد بلوطهای موریه.

۳۱ زیرا که شما از اردن عبور می کنید تا داخل شده، زمینی را که یهوه خدایت به تو می بخشد به تصرف آورید، و آن را خواهید گرفت و در آن ساکن خواهید شد.

۳۲ پس متوجه باشید تا جمیع این فرایض و احکامی را که من امروز پیش شما می گذارم، به عمل آورید.

۱۲

تنها محل عبادت

۱ اینهاست فرایض و احکامی که شما در تمامی روزهایی که بر زمین زنده خواهید ماند، می باید متوجه شده، به عمل آرید، در زمینی که یهوه خدای پدرانت به تو داده است، تا در آن تصرف نمایی.

۲ جمیع اماکن امتیابی را که در آنها خدایان خود را عبادت می کنند و شما آنها را اخراج می نمایید خراب نمائید، خواه بر کوههای بلند خواه بر تلهها و خواه زیر هر درخت سبز.

۳ مذبحهای ایشان را بشکنید و ستونهای ایشان را خرد کنید، و اشیره های ایشان را به آتش بسوزانید، و بتهای تراشیده شده خدایان ایشان را قطع نمائید، و نامهای ایشان را از آنجا محو سازید.

۴ با یهوه خدای خود چنین عمل منمائید.

۵ بلکه به مکانی که یهوه خدای شما از جمیع اسباط شما برگزید تا نام خود را در آنجا بگذارد، یعنی مسکن او را بطلبید و به آنجا بروید.

۶ و به آنجا قربانی های سوختنی و ذبایح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و نذرها و نوافل خود و نخست زاده های رمه و گله خویش را ببرید.

۷ و در آنجا بحضور یهوه خدای خود بخورید، و شما و اهل خانه شما در هر شغل دست خود که یهوه خدای شما، شما را در آن برکت دهد، شادی نمایید.

۸ موافق هر آنچه ما امروز در اینجا می‌کنیم، یعنی آنچه در نظر هر کس پسند آید، نکنید.

۹ زیرا که هنوز به آرامگاه و نصیبی که یهوه خدای شما، به شما می‌دهد داخل نشده‌اید.

۱۰ اما چون از اردن عبور کرده، در زمینی که یهوه، خدای شما، برای شما تقسیم می‌کند، ساکن شوید، و او شما را از جمیع دشمنان شما از هر طرف آرامی دهد تا در امنیت سکونت نمایید.

۱۱ آنگاه به مکانی که یهوه خدای شما برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، به آنجا هر چه را که من به شما امر فرمایم بیاورید، از قربانی‌های سوختنی و ذبایح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و همه نذرهای بهترین خود که برای خداوند نذر نمایید.

۱۲ و به حضور یهوه خدای خود شادی نمایید، شما با پسران و دختران و غلامان و کنیزان خود، و لایوانی که درون دروازه‌های شما باشند، چونکه ایشان را با شما حصه‌ای و نصیبی نیست.

۱۳ با حذر باش که در هر جایی که می‌بینی قربانی‌های سوختنی خود را نگذرانی،

۱۴ بلکه در مکانی که خداوند در یکی از اسباط تو برگزیند در آنجا قربانی‌های سوختنی خود را بگذرانی، و در آنجا هر چه من به تو امر فرمایم، به عمل آوری.

۱۵ لیکن گوشت را بر حسب تمامی آرزوی دلت، موافق برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، در همه دروازه‌های ذبح کرده، بخور؛ اشخاص نجس و طاهر از آن بخورند چنانکه از غزال و آهومی خورند.

۱۶ ولی خون را نخور؛ آن را مثل آب بر زمین بریز.

۱۷ عشر غله و شیره و روغن و نخست زاده رمه و گله خود را در دروازه های خود بخور، و نه هیچیک از نذرهای خود را که نذر می کنی و از نوافل خود و هدایای افراشتنی دست خود را.

۱۸ بلکه آنها را به حضور یهوه خدایت در مکانی که یهوه خدایت برگزیند، بخور، تو و پسر و دخترت و غلامت و کنیزت و لایوانی که درون دروازه های تو باشند، و به هر چه دست خود را بر آن بگذاری به حضور یهوه خدایت شادی نما.

۱۹ با حذر باش که لایوان را در تمامی روزهایی که در زمین خود باشی، ترک نمایی.

۲۰ چون یهوه، خدایت، حدود تو را بطوری که تو را وعده داده است، وسیع گرداند، و بگویی که گوشت خواهم خورد، زیرا که دل تو به گوشت خوردن مایل است، پس موافق همه آرزوی دلت گوشت را بخور. ۲۱ و اگر مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا اسم خود را در آن بگذارد از تو دور باشد، آنگاه از رمه و گله خود که خداوند به تو دهد ذبح کن، چنانکه به تو امر فرموده ام و از هر چه دلت بخواهد در دروازه هایت بخور. ۲۲ چنانکه غزال و آهو خورده شود، آنها را چنین بخور؛ شخص نجس و شخص طاهر از آن برابر بخورند.

۲۳ لیکن هوشیار باش که خون را نخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت نخوری.

۲۴ آن را بخور، بلکه مثل آب بر زمینش بریز.

۲۵ آن را بخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است، بجا آوری.

۲۶ لیکن موقوفات خود را که داری و نذرهای خود را برداشته، به مکانی که خداوند برگزیند، برو.

۲۷ و گوشت و خون قربانی های سوختنی خود را بر مذبح یهوه خدایت بگذران و خون ذبایح تو بر مذبح یهوه خدایت ریخته شود و گوشت را بخور.

۲۸ متوجه باش که همه این سخنانی را که من به تو امر می‌فرمایم بشنوی تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت هنگامی که آنچه در نظر یهوه، خدایت، نیکو و راست است بجا آوری تا به ابد نیکو باشی.

۲۹ وقتی که یهوه، خدایت، امتهایی را که به جهت گرفتن آنها به آنجا می‌روی، از حضور تو منقطع سازد، و ایشان را اخراج نموده، در زمین ایشان ساکن شوی.

۳۰ آنگاه باحذر باش، مبادا بعد از آنکه از حضور تو هلاک شده باشند به دام گرفته شده، ایشان را پیروی نمایی و درباره خدایان ایشان دریافت کرده، بگویی که این امتهای خدایان خود را چگونه عبادت کردند تا من نیز چنین کنم.

۳۱ با یهوه، خدای خود، چنین عمل منما، زیرا هرچه را که نزد خداوند مکروه است و از آن نفرت دارد، ایشان برای خدایان خود می‌کردند، حتی اینکه پسران و دختران خود را نیز برای خدایان خود به آتش می‌سوزانیدند.

۳۲ هرآنچه من به شما امر می‌فرمایم متوجه شوید، تا آن را به عمل آورید، چیزی بر آن می‌فزایید و چیزی از آن کم نکنید.

۱۳

خدایان دیگر

۱ اگر در میان تو نبی‌ای یا بیننده خواب از میان شما برخیزد، و آیت یا معجزه‌ای برای شما ظاهر سازد،

۲ و آن آیت یا معجزه واقع شود که از آن تو را خبر داده، گفت خدایان غیر را که نمی‌شناسی پیروی نمایم، و آنها را عبادت کنیم،

۳ سخنان آن نبی یا بیننده خواب را مشنو، زیرا که یهوه، خدای شما، شما را امتحان می‌کند، تا بداند که آیا یهوه، خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود محبت می‌نمایید؟

۴ یهوه خدای خود را پیروی نماید و از او بترسید، و او امر او را نگاه دارید، و قول او را بشنوید و او را عبادت نموده، به او ملحق شوید.
 ۵ و آن نبی یابیننده خواب کشته شود، زیرا که سخنان فتنه انگیز بر یهوه خدای شما که شما را از زمین مصر بیرون آورد، و تو را از خانه بندگی فدیہ داد، گفته است تا تو را از طریقی که یهوه خدایت به تو امر فرمود تا با آن سلوک نمایی، منحرف سازد، پس به این طور بدی را از میان خود دور خواهی کرد.

۶ و اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد، تو را در خفا اغوا کند، و گوید که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نماییم،

۷ از خدایان امتهایی که به اطراف شامی باشند، خواه به تو نزدیک و خواه از تو دور باشند، از اقصای زمین تا اقصای دیگر آن،
 ۸ او را قبول مکن و او را گوش مده، و چشم تو بروی رحم نکند و بر او شفقت منما و او را پنهان مکن.

۹ البته او را به قتل رسان، دست تو اول به قتل او دراز شود و بعد دست تمامی قوم.

۱۰ و او را به سنگ سنگسار نما تا بمیرد، چونکه میخواست تو را از یهوه، خدایت، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، منحرف سازد.

۱۱ و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما مرتکب نخواهند شد.

۱۲ اگر درباره یکی از شهرهایی که یهوه خدایت به تو به جهت سکونت می دهد خبر یابی،

۱۳ که بعضی پسران بلیعال از میان تو بیرون رفته، ساکنان شهر خود را منحرف ساخته، گفته اند برویم و خدایان غیر را که نشناخته اید، عبادت نماییم،

۱۴ آنگاه تفحص و تجسس نموده، نیکواستفسار نما. و اینک اگر این امر، صحیح و یقین باشد که این رجاست در میان تو معمول شده است،
 ۱۵ البته ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بکش و آن را با هرچه در آن است و بهایمش را به دم شمشیر هلاک نما.
 ۱۶ و همه غنیمت آن را در میان کوچه‌اش جمع کن و شهر را با تمامی غنیمتش برای یهوه خدایت به آتش بالکل بسوزان، و آن تا به ابد تلی خواهد بود و بار دیگر بنا نخواهد شد.
 ۱۷ و از چیزهای حرام شده چیزی به دستت نجسبند تا خداوند از شدت خشم خود برگشته، بر تو رحمت و رافت بنماید، و تو را بیفزاید بطوری که برای پدران تو قسم خورده بود.
 ۱۸ هنگامی که قول یهوه خدای خود را شنیده، و همه اوامرش را که من امروز به تو امر می فرمایم نگاه داشته، آنچه در نظر یهوه خدایت راست است، بعمل آورده باشی.

۱۴

حلال و حرام

۱ شما پسران یهوه خدای خود هستید، پس برای مردگان، خویشان را مجروح ننمایید، و مابین چشمان خود را متراشید.
 ۲ زیرا تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی، و خداوند تو را برای خود برگزیده است تا از جمیع امتهایی که بر روی زمین اند به جهت او قوم خاص باشی.
 ۳ هیچ چیز مکروه نخور.
 ۴ این است حیواناتی که بخورید: گاو و گوسفند و بز،
 ۵ و آهو و غزال و گور و بزکوهی و ریم و گاو دشتی و مهات.
 ۶ و هر حیوان شکافته سم که سم را به دو حصه شکافته دارد و نشخوار کند، آن را از بهایم بخورید.

- ۷ لیکن از نشخوارکنندگان و شکافتگان سم اینها را مخورید: یعنی شتر و خرگوش و ونک، زیرا که نشخوار می کنند اما شکافته سم نیستند. اینها برای شما نجس اند.
- ۸ و خوک زیرا شکافته سم است، لیکن نشخوار نمی کند، این برای شما نجس است. از گوشت آنها مخورید و لاش آنها را لمس نکنید.
- ۹ از همه آنچه در آب است اینها را بخورید: هرچه پر و فلس دارد، آنها را بخورید.
- ۱۰ و هرچه پر و فلس ندارد مخورید، برای شما نجس است.
- ۱۱ از همه مرغان طاهر بخورید.
- ۱۲ و این است آنهایی که نخورید: عقاب و استخوان خوار و نسر بحر،
- ۱۳ و لاشخوار و شاهین و کرکس به اجناس آن؛
- ۱۴ و هر غراب به اجناس آن؛
- ۱۵ و شتر مرغ و جغد و مرغ دریایی و باز، به اجناس آن؛
- ۱۶ و بوم و بوتیمار و قاز؛
- ۱۷ و قانت و رخم و غواص؛
- ۱۸ و لقلق و کلنک، به اجناس آن؛ و هدهد و شبیره.
- ۱۹ و همه حشرات بالدار برای شما نجس اند؛ خورده نشوند.
- ۲۰ اما از همه مرغان طاهر بخورید.
- ۲۱ هیچ میته مخورید؛ به غریبی که درون دروازه های تو باشد بده تا بخورد، یا به اجنبی بفروش، زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی و بزغاله را در شیر مادرش میزد.

ده یک

- ۲۲ عشر تمامی محصولات مزرعه خود را که سال به سال از زمین برآید، البته بده.

۲۳ و به حضور یهوه خدایت در مکانی که برگزیند تا نام خود را در آنجا ساکن سازد، عشر غله و شیره و روغن خود را و نخست زادگان رمه و گله خویش را بخور، تا پیاموزی که از یهوه خدایت همه اوقات بترسی.

۲۴ و اگر راه از برایت دور باشد که آن را نمی توانی برد، و آن مکانی که یهوه، خدایت، خواهد برگزید تا نام خود را در آن بگذارد، وقتی که یهوه، خدایت، تو را برکت دهد، از تو دور باشد.

۲۵ پس آن را به نقره بفروش و نقره را بدست خود گرفته، به مکانی که یهوه خدایت برگزیند، برو.

۲۶ و نقره را برای هر چه دلت می خواهد از گاو و گوسفند و شراب و مسکرات و هر چه دلت از تو بطلبد، بده، و در آنجا بحضور یهوه، خدایت، بخور و خودت با خاندانت شادی نما.

۲۷ و لاوی ای را که اندرون دروازه هایت باشد، ترک منما چونکه او را با تو حصه و نصیبی نیست.

۲۸ و در آخر هر سه سال تمام عشر محصول خود را در همان سال بیرون آورده، در اندرون دروازه هایت ذخیره نما.

۲۹ و لاوی چونکه با تو حصه و نصیبی ندارد و غریب و یتیم و بیوه زنی که درون دروازه هایت باشند، بیایند و بخورند و سیر شوند، تا یهوه، خدایت، تو را در همه اعمال دستت که می کنی، برکت دهد.

۱۵

سال انفکاک

۱ و در آخر هر هفت سال، انفکاک نمایی.

۲ و قانون انفکاک این باشد، هر طلبکاری قرضی را که به همسایه خود داده باشد منفک سازد، و از همسایه و برادر خود مطالبه نکند، چونکه انفکاک خداوند اعلان شده است.

۳ از غریب مطالبه توانی کرد، اما هر آنچه از مال تو نزد برادرت باشد، دست تو آن را منفک سازد.

۴ تا نزد تو هیچ فقیر نباشد، زیرا که خداوند تو را در زمینی که یهوه، خدایت، برای نصیب و ملک به تو می‌دهد، البته برکت خواهد داد،
 ۵ اگر قول یهوه، خدایت، را به دقت بشنوی تا متوجه شده، جمیع این اوامر را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا آوری.

۶ زیرا که یهوه، خدایت، تو را چنانکه گفته است برکت خواهد داد، و به امتهای بسیار قرض خواهی داد، لیکن تو مدیون نخواهی شد، و بر امتهای بسیار تسلط خواهی نمود، و ایشان بر تو مسلط نخواهند شد.

۷ اگر نزد تو در یکی از دروازه هایت، در زمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌بخشد، یکی از برادرانت فقیر باشد، دل خود را سخت مساز، و دستت را بر برادر فقیر خود میند.

۸ بلکه البته دست خود را بر او گشاده دار، و به قدر کفایت، موافق احتیاج او به او قرض بده.

۹ و باحذر باش مبادا در دل تو فکر زشت باشد، و بگویی سال هفتم یعنی سال انفکاک نزدیک است، و چشم تو بر برادر فقیر خود بد شده، چیزی به او ندهی و او از تو نزد خداوند فریاد برآورده، برایت گناه باشد.

۱۰ البته به او بدهی و دلت از دادنش آزرده نشود، زیرا که به عوض این کار یهوه، خدایت، تو را در تمامی کارهایت و هر چه دست خود را بر آن دراز می‌کنی، برکت خواهد داد.

۱۱ چونکه فقیر از زمینت معدوم نخواهد شد، بنابراین من تو را امر فرموده، می‌گویم البته دست خود را برای برادر مسکین و فقیر خود که در زمین تو باشند، گشاده دار.

آزادی غلامان

۱۲ اگر مرد یا زن عبرانی از برادرانت به تو فروخته شود، و او تو را شش سال خدمت نماید، پس در سال هفتم او را از نزد خود آزاد کرده، رها کن.

- ۱۳ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رهایمی کنی، او را تهی دست روانه مساز.
- ۱۴ او را از گله و خرمن و چرخشت خود البته زاد بده، به اندازه‌ای که یهوه، خدایت، تو را برکت داده باشد به او بده.
- ۱۵ و بیادآور که تو در زمین مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تو را فدیة داد، بنابراین من امروز این را به تو امر می‌فرمایم،
- ۱۶ و اگر به تو گوید از نزد تو بیرون نمی‌روم چونکه تو را و خاندان تو را دوست دارد و او را نزد تو خوش گذشته باشد،
- ۱۷ آنگاه در فشی گرفته، گوشش را با آن به در بدوز تا تو را غلام ابدی باشد، و با کنیز خود نیز چنین عمل نما.
- ۱۸ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رهایمی کنی، بنظرت بد نیاید، زیرا که دو برابر اجرت اجیر، تو را شش سال خدمت کرده است. و یهوه خدایت در هر چه می‌کنی تو را برکت خواهد داد.

تقدیس حیوانات

- ۱۹ همه نخست زادگان زبینه را که از رمه و گله تو زاییده شوند برای یهوه، خدای خود، تقدیس نما، و با نخست زاده گاو خود کار مکن و نخست زاده گوسفند خود را پشم مبر.
- ۲۰ آنها را به حضور یهوه خدای خود در مکانی که خداوند برگزیند، تو و اهل خانه ات سال به سال بخورید.
- ۲۱ لیکن اگر عیبی داشته باشد، مثلاً لنگ یا کور یا هر عیب دیگر، آن را برای یهوه خدایت ذبح مکن.
- ۲۲ آن را در اندرون دروازه هایت بخور، شخص نجس و شخص طاهر، آن را برابر مثل غزال و آهو بخورند.
- ۲۳ اما خونس را نخور. آن را مثل آب بر زمین بریز.

- ۱ ماه ایب را نگاهدار و فصیح را به جهت یهوه، خدایت، بجا آور، زیرا که در ماه ایب یهوه، خدایت، تو را از مصر در شب بیرون آورد.
- ۲ پس فصیح را از رمه و گله برای یهوه، خدایت، ذبح کن، در مکانی که خداوند برگزیند، تا نام خود را در آن ساکن سازد.
- ۳ با آن، خمیرمایه بخور، هفت روز نان فطیر یعنی نان مشقت را با آن بخور، زیرا که به تعجیل از زمین مصر بیرون آمدی، تا روز خروج خود را از زمین مصر در تمامی روزهای عمرت پیاد آوری.
- ۴ پس هفت روز هیچ خمیرمایه در تمامی حدودت دیده نشود، و از گوشتی که در شام روز اول، ذبح می کنی چیزی تا صبح باقی نماند.
- ۵ فصیح را در هر یکی از دروازه های که یهوه خدایت به تومی دهد، ذبح نتوانی کرد.
- ۶ بلکه در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، در آنجا فصیح را در شام، وقت غروب آفتاب، هنگام بیرون آمدن از مصر ذبح کن.
- ۷ و آن را در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند پیز و بخور و بامدادان برخاسته، به خیمه های برو.
- ۸ شش روز نان فطیر بخور، و در روز هفتم، جشن مقدس برای یهوه خدایت باشد، در آن هیچ کار مکن.

عید هفته ها

- ۹ هفت هفته برای خود بشمار. از ابتدای نهادن داس در زرع خود، شمردن هفت هفته را شروع کن.
- ۱۰ و عید هفته ها را با هدیه نوافل دست خود نگاهدار و آن را به اندازه برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، بده.
- ۱۱ و به حضور یهوه، خدایت، شادی نما تو و پست و دخترت و غلامت و کنیزت و لاوی که درون دروازه های باشد و غریب و یتیم و بیوه زنی

که در میان تو باشند، در مکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گردانند.
 ۱۲ و بیاد آور که در مصر غلام بودی، پس متوجه شده، این فرایض را بجا آور.

عید خیمه ها

۱۳ عید خیمه ها را بعد از جمع کردن حاصل از خرمن، و چرخشت خود هفت روز نگاهدار.
 ۱۴ و در عید خود شادی نما، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لاوی و غریب و یتیم و بیوه زنی که درون دروازه هایت باشند.
 ۱۵ هفت روز در مکانی که خداوند برگزیند، برای یهوه خدایت عید نگاه دار، زیرا که یهوه خدایت تو را در همه محصولت و در تمامی اعمال دستت برکت خواهد داد، و بسیار شادمان خواهی بود.
 ۱۶ سه مرتبه در سال جمیع ذکورانت به حضور یهوه خدایت در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، یعنی در عید فطیر و عید هفته ها و عید خیمه ها و به حضور خداوند تهنی دست حاضر نشوند.
 ۱۷ هر کس به قدر قوه خود به اندازه برکتی که یهوه، خدایت، به تو عطا فرماید، بدهد.

تعیین داوران

۱۸ داوران و سروران در جمیع دروازه هایی که یهوه، خدایت، به تو می دهد بر حسب اسباط خود برایت تعیین نما، تا قوم را به حکم عدل، داوری نمایند.
 ۱۹ داوری را منحرف مساز و طرفداری منما و رشوه مگیر، زیرا که رشوه چشمان حکمرا کور می سازد و سخنان عادلان را کج می نماید.
 ۲۰ انصاف کامل را پیروی نما تا زنده مانی و زمینی را که یهوه خدایت به تو می دهد، مالک شوی.

خدایان غیر

۲۱ اشیره‌ای از هیچ نوع درخت نزد مذبح یهوه، خدایت، که برای خود خواهی ساخت غرس منما.
 ۲۲ و ستونی برای خود نصب مکن زیرا یهوه خدایت آن را مکروه می‌دارد.

۱۷

۱ گاو یا گوسفندی که در آن عیب یا هیچ چیز بد باشد، برای یهوه خدای خودذبح منما، چونکه آن، نزد یهوه خدایت مکروه است.
 ۲ اگر در میان تو، در یکی از دروازه‌هایت که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مرد یا زنی پیدا شود که در نظر یهوه، خدایت، کار ناشایسته نموده، از عهد او تجاوز کند،
 ۳ رفته‌خدايان غير را عبادت کرده، سجده نماید، خواه آفتاب یا ماه یا هریک از جنود آسمان که من امر نفرموده‌ام،
 ۴ و از آن اطلاع یافته، بشنوی، پس نیکو تفحص کن. واینک اگر راست و یقین باشد که این رجاست در اسرائیل واقع شده است،
 ۵ آنگاه آن مرد یا زن را که این کار بد را در دروازه‌هایت کرده است، بیرون آور، و آن مرد یا زن را با سنگها سنگسار کن تا بمیرند.
 ۶ از گواهی دویا سه شاهد، آن شخصی که مستوجب مرگ است کشته شود، از گواهی یک نفر کشته نشود.
 ۷ اولاً دست شاهدان به جهت کشتنش بر او افراشته شود، و بعد از آن، دست تمامی قوم، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

داوری اختلافات

۱۸ اگر در میان تو امری که حکم بر آن مشکل شود به ظهور آید، در میان خون و خون، و در میان دعوی و دعوی، و در میان ضرب و ضرب، از مرافعه‌هایی که در دروازه‌هایت واقع شود، آنگاه برخاسته، به مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند، برو.

۹ و نزد لاویان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد رفته، مسالت نما و ایشان تو را از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت.

۱۰ و برحسب فتوایی که ایشان از مکانی که خداوند برگزیند، برای تو بیان می کنند، عمل نما. و هوشیار باش تا موافق هر آنچه به تو تعلیم دهند، عمل نمایی.

۱۱ موافق مضمون شریعتی که به تو تعلیم دهند، و مطابق حکمی که به تو گویند، عمل نما، و از فتوایی که برای تو بیان می کنند به طرف راست یا چپ تجاوز مکن.

۱۲ و شخصی که از روی تکبر رفتار نماید، و کاهنی را که به حضور یهوه، خدایت، به جهت خدمت در آنجایی ایستد یا داور را گوش نگیرد، آن شخص کشته شود. پس بدی را از میان اسرائیل دور کرده ای.

۱۳ و تمامی قوم چون این را بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهند نمود.

پادشاه اسرائیل

۱۴ چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد، داخل شوی و در آن تصرف نموده، ساکن شوی و بگویی مثل جمیع امتهایی که به اطراف منند پادشاهی بر خود نصب نمایم،

۱۵ البته پادشاهی را که یهوه خدایت برگزیند بر خود نصب نما. یکی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز، و مرد بیگانه ای را که از برادرانت نباشد، نمی توانی بر خود مسلط نمایی.

۱۶ لکن او برای خود اسبهای بسیار نگیرد، و قوم را به مصر پس نفرستد، تا اسبهای بسیار برای خود بگیرد، چونکه خداوند به شما گفته است بار دیگر به آن راه برنگردید.

۱۷ و برای خود زنان بسیار نگیرد، مبادا دلش منحرف شود، و نقره و طلا برای خود بسیار زیاده نیندوزد.

۱۸ و چون بر تخت مملکت خود بنشینند، نسخه این شریعت را از آنچه از آن، نزد لاویان کهنه است برای خود در طوماری بنویسد.
 ۱۹ و آن نزد او باشد و همه روزهای عمرش آن را بخواند، تا پیامورد که از یهوه خدای خود بترسد، و همه کلمات این شریعت و این فرایض را نگاه داشته، به عمل آورد.
 ۲۰ مبادا دل او بر برادرانش افراشته شود، و از این اوامر به طرف چپ یا راست منحرف شود، تا آنکه او و پسرانش در مملکت او در میان اسرائیل روزهای طویل داشته باشند.

۱۸

هدایا برای کاهنان و لاویان

۱ لاویان کهنه و تمامی سبط لاوی راحصه و نصیبی با اسرائیل نباشد.
 ۲ پس ایشان در میان برادران خود نصیب نخواهند داشت. خداوند نصیب ایشان است، چنانکه به ایشان گفته است.
 ۳ و حق کاهنان از قوم، یعنی از آنانی که قربانی، خواه از گاو و خواه از گوسفندی گذرانند، این است که دوش و دوبرغا گوش و شکنجه را به کاهن بدهند.
 ۴ و نوبر غله و شیر و روغن خود و اول چین پشم گوسفند خود را به او بدهد،
 ۵ زیرا که یهوه، خدایت، او را از همه اسبابت برگزیده است، تا او و پسرانش همیشه بایستند و به نام خداوند خدمت نمایند.
 ۶ و اگر احدی از لاویان از یکی از دروازه هایت از هر جایی در اسرائیل که در آنجا ساکن باشد آمده، به تمامی آرزوی دل خود به مکانی که خداوند برگزیند، برسد،
 ۷ پس به نام یهوه خدای خود، مثل سایر برادرانش از لاویانی که در آنجا به حضور خداوند می ایستند، خدمت نماید.
 ۸ حصه های برابر بخورند، سوای آنچه از ارثیت خود بفروشد.

اعمال مکروه

- ۹ چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد داخل شوی، یاد مگیر که موافق رجاسات آن امته عمل نمایی.
- ۱۰ و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه غیب گو و نه افسونگر و نه جادوگر،
- ۱۱ و نه ساحر و نه سوال کننده از اجنه و نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت می کند.
- ۱۲ زیرا هر که این کارها را کند، نزد خداوند مکروه است و به سبب این رجاسات، یهوه، خدایت، آنها را از حضور تو اخراج می کند.
- ۱۳ نزد یهوه، خدایت، کامل باش.
- ۱۴ زیرا این امتهایی که تو آنها را بیرون می کنی به غیب گویان و فالگیران گوش می گیرند، و اما یهوه، خدایت، تو را نمی گذارد که چنین بکنی.

مبعوث کردن نبی

- ۱۵ یهوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید.
- ۱۶ موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسالت نموده، گفتی: «آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نبینم، مبادا بمیرم.»
- ۱۷ و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند.
- ۱۸ نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت.
- ۱۹ و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.

۲۰ و اما نبی‌ای که جسارت نموده، به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم، یا به اسم خدایان غیر سخن گوید، آن نبی البته کشته شود.»

۲۱ و اگر در دل خود گویی: «سخنی را که خداوند نگفته است، چگونه تشخیص نمایم.»

۲۲ هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید، اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد، این امری است که خداوند نگفته است، بلکه آن نبی آن را از روی تکبر گفته است.

پس از او ترس.

۱۹

شهر ملجا

۱ وقتی که خدایت این امتها را که یهوه، خدایت، زمین ایشان را به تو می‌دهد منقطع سازد، و تو وارث ایشان شده، در شهرها و خانه‌های ایشان ساکن شوی،

۲ پس سه شهر را برای خود در میان زمینی که یهوه، خدایت، به جهت ملکیت به تو می‌دهد، جدا کن.

۳ شاهراه را برای خود درست کن، و حدود زمین خود را که یهوه خدایت برای تو تقسیم می‌کند، سه قسمت کن، تا هر قاتلی در آنجا فرار کند.

۴ و این است حکم قاتلی که به آنجا فرار کرده، زنده ماند، هر که همسایه خود را نادانسته بکشد، و قبل از آن از او بغض نداشت.

۵ مثل کسی که با همسایه خود برای بریدن درخت در جنگل برود، و دستش برای قطع نمودن درخت تبر را بلند کند، و آهن از دسته بیرون رفته، به همسایه‌اش بخورد تا بمیرد، پس به یکی از آن شهرها فرار کرده، زنده ماند.

- ۶ مبادا ولی خون وقتی که دلش گرم است قاتل را تعاقب کند، و به سبب مسافت راه به وی رسیده، او را بکشد، و او مستوجب موت نباشد، چونکه او را پیشتر بغض نداشت.
- ۷ از این جهت من تو را امر فرموده، گفتم برای خود سه شهر جدا کن.
- ۸ و اگر یهوه، خدایت، حدود تو را به طوری که به پدرانت قسم خورده است وسیع گرداند، و تمامی زمین را به تو عطا فرماید، که به دادن آن به پدرانت وعده داده است،
- ۹ و اگر تمامی این اوامر را که من امروز به تو می فرمایم نگاه داشته، بجا آوری که یهوه خدای خود را دوست داشته، به طریقه‌های او دائم سلوک نمایی، آنگاه سه شهر دیگر بر این سه برای خود مزید کن.
- ۱۰ تا خون بی گناه در زمینی که یهوه خدایت برای ملکیت به تو می دهد، ریخته نشود، و خون بر گردن تو نباشد.
- ۱۱ لیکن اگر کسی همسایه خود را بغض داشته، در کمین او باشد و بر او برخاسته، او را ضرب مهلک بزند که بمیرد، و به یکی از این شهرها فرار کند،
- ۱۲ آنگاه مشایخ شهرش فرستاده، او را از آنجا بگیرند، و او را به دست ولی خون تسلیم کنند، تا کشته شود.
- ۱۳ چشم تو بر او ترحم نکند، تا خون بی گناهی را از اسرائیل دور کنی، و برای تو نیکو باشد.
- ۱۴ حد همسایه خود را که پیشینیان گذاشته اند، در ملک تو که به دست تو خواهد آمد، در زمینی که یهوه خدایت برای تصرفش به تو می دهد، منتقل مساز.
- ۱۵ یک شاهد بر کسی برنخیزد، به هر تقصیر و هر گناه از جمیع گاهانی که کرده باشد، به گواهی دو شاهد یا به گواهی سه شاهد امری ثابت شود.
- ۱۶ اگر شاهد کاذب بر کسی برخاسته، به معصیتش شهادت دهد،

۱۷ آنگاه هر دو شخصی که منازعه در میان ایشان است، به حضور خداوند و به حضور کاهنان و داورانی که در آن زمان باشند، حاضر شوند.
 ۱۸ و داوران، نیکو تفحص نمایند، و اینک اگر شاهد، شاهد کاذب است و بربرادر خود شهادت دروغ داده باشد،
 ۱۹ پس به طوری که او خواست با برادر خود عمل نماید با او همان طور رفتار نمایند، تا بدی را از میان خود دور نمایی.
 ۲۰ و چون بقیه مردمان بشنوند، خواهند ترسید، و بعد از آن مثل این کار زشت در میان شما نخواهند کرد.
 ۲۱ و چشم تو ترحم نکند، جان به عوض جان، و چشم به عوض چشم، و دندان به عوض دندان، و دست به عوض دست و پا به عوض پا.

۲۰

دستورالعمل برای جنگ

۱ چون برای مقاتله با دشمن خود بیرون روی، و اسبها و ارابه‌ها و قومی را زیاده از خود بینی، از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که تو را از زمین مصر برآورده است، با توست.
 ۲ و چون به جنگ نزدیک شوید آنگاه کاهن پیش آمده، قوم را مخاطب سازد.
 ۳ و ایشان را گوید: «ای اسرائیل بشنوید شما امروز برای مقاتله با دشمنان خود پیش می‌روید، دل شما ضعیف نشود، و از ایشان ترسان و لرزان و هراسان مباشید.
 ۴ زیرا یهوه، خدای شما، با شما می‌رود، تا برای شما با دشمنان شما جنگ کرده شما را نجات دهد.»
 ۵ و سروران، قوم را خطاب کرده، گویند: «کیست که خانه نو بنا کرده، آن را تخصیص نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری آن را تخصیص نماید.»

۶ و کیست که تاکستانی غرس نموده، آن را حلال نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد، و دیگری آن را حلال کند.

۷ و کیست که دختری نامزد کرده، به نکاح در نیاورده است، او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری او را به نکاح درآورد.»

۸ و سروران نیز قوم را خطاب کرده، گویند: «کیست که ترسان وضعیف دل است؛ او روانه شده، به خانه‌اش برگردد، مبادا دل برادرانش مثل دل او گداخته شود.»

۹ و چون سروران از تکلم نمودن به قوم فارغ شوند، بر سر قوم، سرداران لشکر مقرر سازند.

۱۰ چون به شهری نزدیک آبی تا با آن جنگ نمایی، آن را برای صلح ندا بکن.

۱۱ و اگر تو را جواب صلح بدهد، و دروازه‌ها را برای تو بگشاید، آنگاه تمامی قومی که در آن یافت شوند، به تو جزیه دهند و تو را خدمت نمایند.

۱۲ و اگر با تو صلح نکرده، با تو جنگ نمایند، پس آن را محاصره کن.

۱۳ و چون یهوه، خدایت، آن را به دست تو بسپارد، جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش.

۱۴ لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد، یعنی تمامی غنیمتش را برای خود به تاراج ببر، و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد، بخور.

۱۵ به همه شهرهایی که از تو بسیار دورند که از شهرهای این امتهای نباشند، چنین رفتار نما.

۱۶ اما از شهرهای این امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، هیچ ذی نفس را زنده مگذار.

۱۷ بلکه ایشان را، یعنی حتیان و اموریان و کنعانیان و فرزریان و حویان

ویوسیان را، چنانکه یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است، بالکل هلاک سازد.

۱۸ تا شما را تعلیم ندهند که موافق همه رجاساتی که ایشان باخدایان خود عمل می نمودند، عمل نمایید. و به یهوه، خدای خود، نگاه کنید.

۱۹ چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی، و آن را روزهای بسیار محاصره نمایی، تیر بر درختهایش مزن و آنها را تلف مساز. چونکه از آنها می خوری پس آنها را قطع منما، زیرا آیادرخت صحرا انسان است تا آن را محاصره نمایی؟

۲۰ و اما درختی که میدانی درختی نیست که از آن خورده شود آن را تلف ساخته، قطع نما و سنگری بر شهری که با تو جنگ می کند، بنا کن تا منهدم شود.

۲۱

قتل نامعین

۱ اگر در زمینی که یهوه، خدایت، برای تصرفش به تو می دهد مقتولی در صحرا افتاده، پیدا شود و معلوم نباشد که قاتل او کیست،

۲ آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده، مسافت شهرهایی را که در اطراف مقتول است، بپیمایند.

۳ و اما شهری که نزدیک تر به مقتول است، مشایخ آن شهر گوساله رمه را که با آن خیش زده، و یوغ به آن نبسته اند، بگیرند.

۴ و مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادی ای که آب در آن همیشه جاری باشد و در آن خیش زده، و شخم نکرده باشند، فرود آورند، و آنجا در وادی، گردن گوساله را بشکنند.

۵ و بنی لاوی که نه نزدیک بیایند، چونکه یهوه خدایت ایشان را برگزیده است تا او را خدمت نمایند، و به نام خداوند برکت دهند، و برحسب قول ایشان هرمنازعه و هر آزاری فیصل پذیرد.

۶ و جمیع مشایخ آن شهری که نزدیک تر به مقتول است، دستهای خود را بر گوساله‌ای که گردنش در وادی شکسته شده است، بشویند.
 ۷ و جواب داده، بگویند: «دستهای ما این خون را نریخته، و چشمان ما ندیده است.
 ۸ ای خداوند قوم خود اسرائیل را که فدیة داده‌ای پیامرز، و مگذار که خون بی‌گناه در میان قوم تو اسرائیل بماند.» پس خون برای ایشان عفو خواهد شد.
 ۹ پس خون بی‌گناه را از میان خود رفع کرده‌ای هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است به عمل آورده‌ای.

ازدواج با اسرا

۱۰ چون بیرون روی تا با دشمنان خود جنگ کنی، و یهوه خدایت ایشان را به دست تسلیم نماید و ایشان را اسیر کنی،
 ۱۱ و در میان اسیران زن خوب صورتی دیده، عاشق او بشوی و بجوای او را به زنی خود بگیری،
 ۱۲ پس او را به خانه خود ببر و او سر خود را بتراشد و ناخن خود را بگیرد.
 ۱۳ و رخت اسیری خود را بیرون کرده، در خانه تو بماند، و برای پدر و مادر خود یک ماه ماتم گیرد، و بعد از آن به او درآمده، شوهر او بشو و او زن تو خواهد بود.
 ۱۴ و اگر از وی راضی نباشی او را به خواهش دلش رها کن، لیکن او را به نقره هرگز بفروش و به او سختی مکن چونکه او را ذلیل کرده‌ای.

حق نخست زاده

۱۵ و اگر مردی را دو زن باشد یکی محبوبه و یکی مکروهه، و محبوبه و مکروهه هر دو برایش پسران بزایند، و پسر مکروهه نخست زاده باشد،

۱۶ پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید، نمی تواند پسر محبوبه را برپسر مکروهه که نخست زاده است، حق نخست زادگی دهد.^{۱۷} بلکه حصه‌ای مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر مکروهه داده، او را نخست زاده خویش اقرار نماید، زیرا که او ابتدای قوت اوست و حق نخست زادگی از آن اومی باشد.

پسر سرکش

۱۸ اگر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد، که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد، و هرچند او را تادیب نمایند ایشان را نشنود،^{۱۹} پدر و مادرش او را گرفته، نزد مشایخ شهرش به دروازه محله‌اش بیاورند.

۲۰ و به مشایخ شهرش گویند: «این پسر ما سرکش و فتنه انگیز است، سخن ما را نمی شنود و مسرف و میگسار است.»^{۲۱} پس جمیع اهل شهرش او را به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای و تمامی اسرائیل چون بشنوند، خواهند ترسید.

قوانین دیگر

۲۲ و اگر کسی گاهی را که مستلزم موت است، کرده باشد و کشته شود، و او را به دارکشیده باشی،^{۲۳} بدنش در شب بر دار نماند. او را البته در همان روز دفن کن، زیرا آنکه بر دار آویخته شود ملعون خدا است تا زمینی را که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، نجس نسازی.

۲۲

۱ اگر گاو یا گوسفند برادر خود را گم شده بینی، از او رومگردان. آن را البته نزد برادر خود برگردان.

۲ و اگر برادرت نزدیک تو نباشد یا او را شناسی، آن را به خانه خود بیاور و نزد تو بماند، تا برادرت آن را طلب نماید، آنگاه آن را به او رد نما. ۳ و به الاغ او چنین کن و به لباسش چنین عمل نما و به هر چیز گمشده برادرت که از او گم شود و یافته باشی چنین عمل نما، نمی توانی از او روگردانی.

۴ اگر الاغ یا گاو برادرت را در راه افتاده بینی، از آن روگردان، البته آن را با او برخیزان.

۵ متاع مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند مکروه بیهوده خدای توست.

۶ اگر اتفاق آشیانه مرغی در راه به نظر تو آید، خواه بر درخت یا بر زمین، و در آن بچه‌ها یا تخمها باشد، و مادر بر بچه‌ها یا تخمها نشسته، مادر را با بچه‌ها بگیر.

۷ مادر را البته رها کن و بچه‌ها را برای خود بگیر، تا برای تو نیکو شود و عمر دراز کنی.

۸ چون خانه نو بنا کنی، بر پشت بام خود دیواری بساز، مبادا کسی از آن بیفتد و خون بر خانه خود بیاوری.

۹ در تاکستان خود دو قسم تخم مکار، مبادا تمامی آن، یعنی هم تخمی که کاشته‌ای و هم محصول تاکستان، وقف شود.

۱۰ گاو و الاغ را با هم جفت کرده، شیار منما.

۱۱ پارچه مختلط از پشم و کتان با هم مپوش.

۱۲ بر چهار گوشه رخت خود که خود را به آن می‌پوشانی، رشته‌ها بساز.

مکروه داشتن زن

۱۳ اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدودر آید، او را مکروه دارد.

۱۴ و اسباب حرف بدونسبت داده، از او اسم بد شهرت دهد و گوید این زن را گرفتم و چون به او نزدیکی نمودم، او را با کره نیافتم.

۱۵ آنگاه پدر یا مادر آن دختر علامت بکارت دختر برداشته، نزد مشایخ شهر نزدروازه بیاورند.

۱۶ و پدر دختر به مشایخ بگوید: «دختر خود را به این مرد به زنی داده‌ام، و از او کراهت دارد،

۱۷ و اینک اسباب حرف بدونسبت داده، می گوید دختر تو را با کره نیافتم، و علامت بکارت دختر من این است.» پس جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند.

۱۸ پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته، تنبیه کنند.

۱۹ و او را صد مثقال نقره جریمه نموده، به پدر دختر بدهند چونکه بر با کره اسرائیل بدنامی آورده است. و او زن وی خواهد بود و در تمامی عمرش نمی تواند او رارها کند.

۲۰ لیکن اگر این سخن راست باشد، و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود،

۲۱ آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند، و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد، چونکه در خانه پدر خود زنا کرده، در اسرائیل قباحتی نموده است. پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

۲۲ اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری همبستر شده باشد، پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن، کشته شوند. پس بدی را از اسرائیل دور کرده‌ای.

۲۳ اگر دختر با کره‌ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته، با او همبستر شود،

۲۴ پس هر دو ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده، ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرند؛ اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد، و مرد

را چونکه زن همسایه خود را ذلیل ساخت، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

۲۵ اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یابد و آن مرد به او زور آورده، با او بخوابد، پس آن مرد که با او خوابیده، تنها کشته شود.

۲۶ و اما با دختر هیچ مکن زیرا بر دختر، نگاه مستلزم موت نیست، بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته، او را بکشد.

۲۷ چونکه او را در صحرا یافت و دختر نامزد فریاد برآورد و برایش رهنده‌ای نبود.

۲۸ و اگر مردی دختر باکره‌ای را که نامزد نباشد بیابد و او را گرفته، با او همبستر شود و گرفتار شوند،

۲۹ آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد، چونکه او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی تواند او را رها کند.

۳۰ هیچ کس زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف نسازد.

۲۳

ممانعت از حضور در

۱ جماعت خداوند شخصی که کوبیده بیضه و آلت بریده باشد داخل جماعت خداوند نشود.

۲ حرام زاده‌ای داخل جماعت خداوند نشود، حتی تا پشت دهم احدی از او داخل جماعت خداوند نشود.

۳ عمونی و موآبی داخل جماعت خداوند نشوند. حتی تا پشت دهم، احدی از ایشان هرگز داخل جماعت خداوند نشود.

۴ زیرا وقتی که شما از مصر بیرون آمدید، شما را در راه به نان و آب استقبال نکردند، و از این جهت که بلعام بن بعور را از فتور آرام نهرین اجیر کردند تا تو را لعنت کند.

۵ لیکن یهوه خدایت نخواست بلعام را بشنود، پس یهوه خدایت لعنت را به جهت تو، به برکت تبدیل نمود، چونکه یهوه خدایت تو را دوست می‌داشت.

۶ ابد در تمامی عمرت جویای خیریت و سعادت ایشان مباش.

۷ ادومی را دشمن مدار چونکه برادر توست، و مصری را دشمن مدار چونکه در زمین وی غریب بودی.

۸ اولادی که از ایشان زاییده شوند در پشت سوم داخل جماعت خداوند شوند.

تقدیس اردو

۹ چون در اردو به مقابله دشمنان بیرون روی خویشتن را از هر چیز بد نگاه دار.

۱۰ اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود، از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود.

۱۱ چون شب نزدیک شود با آب غسل کند، و چون آفتاب غروب کند، داخل اردو شود.

۱۲ و تو را مکانی بیرون از اردو باشد تا به آنجا بیرون روی.

۱۳ و در میان اسباب تو میخی باشد، و چون بیرون می‌نشینی با آن بکن و برگشته، فضله خود را از آن بپوشان.

۱۴ زیرا که یهوه خدایت در میان اردوی تو می‌خرامد تا تو را رهایی داده، دشمنان را به تو تسلیم نماید، پس اردوی تو مقدس باشد، مبادا چیز پلید را در میان تو دیده، از تو روگرداند.

احکام مختلف

۱۵ غلامی را که از آقای خود نزد تو بگریزد به آقایش مسپار.

۱۶ با تو در میان تو در مکانی که برگزینند در یکی از شهرهای تو که به نظرش پسند آید، ساکن شود. و بر او جفامنما.

۱۷ از دختران اسرائیل فاحشه‌ای نباشد و از پسران اسرائیل لواطی نباشد.

- ۱۸ اجرت فاحشه و قیمت سگ را برای هیچ نذری به خانه یهوه خدایت میاور، زیرا که این هر دو نزد یهوه خدایت مکروه است.
- ۱۹ برادر خود را به سود قرض مده نه به سودنقره و نه به سود آذوقه و نه به سود هر چیزی که به سود داده می شود.
- ۲۰ غریب را می توانی به سود قرض بدهی، اما برادر خود را به سود قرض مده تا یهوه خدایت در زمینی که برای تصرفش داخل آن می شوی تو را به هرچه دستت را بر آن دراز می کنی، برکت دهد.
- ۲۱ چون نذری برای یهوه خدایت می کنی دروفای آن تاخیر منما، زیرا که یهوه خدایت البته آن را از تو مطالبه خواهد نمود، و برای تو نگاه خواهد بود.
- ۲۲ اما اگر از نذر کردن ابا نمایی، تو را نگاه نخواهد بود.
- ۲۳ آنچه را که از دهانت بیرون آید، هوشیار باش که بجا آوری، موافق آنچه برای یهوه خدایت از اراده خود نذر کرده ای و به زبان خود گفته ای.
- ۲۴ چون به تاکستان همسایه خود درآیی، از انگور، هر چه می خواهی به سیری بخور، اما در ظرف خود هیچ مگذار.
- ۲۵ چون به کشتزار همسایه خود داخل شوی، خوشه ها را به دست خود بچین، اما داس بر کشت همسایه خود مگذار.

۲۴

- ۱ چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد آنگاه طلاق نامه ای نوشته، بدستش دهد، و او را از خانه اش رها کند.
- ۲ و از خانه او روانه شده، برود و زن دیگری شود.
- ۳ و اگر شوهر دیگر نیز او را مکروه دارد و طلاق نامه ای نوشته، به دستش بدهد و او را از خانه اش رها کند، یا اگر شوهری دیگر که او را به زنی گرفت، بمیرد،

۴ شوهر اول که او را رها کرده بود، نمی تواند دوباره او را به نکاح خود درآورد. بعد از آن ناپاک شده است، زیرا که این به نظر خداوند مکروه است. پس بر زمینی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می دهد، نگاه میاور.

۵ چون کسی زن تازه ای بگیرد، در لشکر بیرون نرود، و هیچ کار به او تکلیف نشود، تا یک سال در خانه خود آزاد بماند، و زنی را که گرفته است، مسرور سازد.

۶ هیچکس آسیا یا سنگ بالایی آن را به گرونگیرد، زیرا که جان را به گرو گرفته است.

۷ اگر کسی یافت شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده، بر او ظلم کند یا بفروشد، آن دزد کشته شود، پس بدی را از میان خود دور کرده ای.

۸ درباره بلای برص هوشیار باش که به هر آنچه لایوان کهنه شما را تعلیم دهند به دقت توجه نموده، عمل نمایید، و موافق آنچه به ایشان امر فرمودم، هوشیار باشید که عمل نمایید.

۹ پیادآور که یهوه خدایت در راه با مریم چه کرد، وقتی که شما از مصر بیرون آمدید.

۱۰ چون به همسایه خود هر قسم قرض دهی، برای گرفتن گرو به خانه اش داخل مشو.

۱۱ بلکه بیرون بایست تا شخصی که به او قرض می دهی گرو را نزد تو بیرون آورد.

۱۲ و اگر مرد فقیر باشد در گرو او بخواب.

۱۳ البته به وقت غروب آفتاب، گرو را به او پس بده، تا در رخت خود بخوابد و تو را برکت دهد و به حضور یهوه خدایت، عدالت شمرده خواهد شد.

- ۱۴ بر مزدوری که فقیر و مسکین باشد، خواه از برادرانت و خواه از غریبانی که در زمینت در اندرون دروازه های تو باشند ظلم منما.
- ۱۵ در همان روز مزدش را بده، و آفتاب بر آن غروب نکند، چونکه او فقیر است و دل خود را به آن بسته است، مبادا بر تو نزد خداوند فریاد برآورد و برای تو گناه باشد.
- ۱۶ پدران به عوض پسران کشته نشوند، و نه پسران به عوض پدران خود کشته شوند. هر کس برای گناه خود کشته شود.
- ۱۷ داوری غریب و یتیم را منحرف مساز، و جامه بیوه را به گرو مگیر.
- ۱۸ و پیاد آور که در مصر غلام بودی و بیوه، خدایت، تو را از آنجا فدیة داد. بنابراین من تو را امر می فرمایم که این کار را معمول داری.
- ۱۹ چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی، و در مزرعه، بافهای فراموش کنی، برای برداشتن آن بر مگرد؛ برای غریب و یتیم و بیوه زن باشد تا بیوه خدایت تو را در همه کارهای دستت برکت دهد.
- ۲۰ چون زیتون خود را بتکانی باریگر شاخه ها را متکان؛ برای غریب و یتیم و بیوه باشد.
- ۲۱ چون انگور تاکستان خود را بجینی باریگر آن را چین، برای غریب و یتیم و بیوه باشد.
- ۲۲ و پیاد آور که در زمین مصر غلام بودی. بنابراین تو را امر می فرمایم که این کار را معمول داری.

۲۵

- ۱ اگر در میان مردم مراجعهای باشد و به محاکمه آیند و در میان ایشان داوری نمایند، آنگاه عادل را عادل شمارند، و شریر را ملزم سازند.
- ۲ و اگر شریر مستوجب تازیانه باشد آنگاه داور، او را بخواباند و حکم دهد تا او را موافق شرارتش به حضور خود به شماره بزنند.

۳ چهل تازیانه او را بزند و زیاد نکند، مبدا اگر از این زیاده کرده، تازیانه بسیار زند، برادرت در نظرتو خوار شود.

۴ دهن گاو را هنگامی که خرمن را خرد می کند، مبنده.

۵ اگر برادران با هم ساکن باشند و یکی از آنها بی اولاد بمیرد، پس زن آن متوفی، خارج به شخص بیگانه داده نشود، بلکه برادر شوهرش به او درآمده، او را برای خود به زنی بگیرد، و حق برادر شوهری را با او بجا آورد.

۶ ونخست زاده ای که بزاید به اسم برادر متوفای او وارث گردد، تا اسمش از اسرائیل محو نشود.

۷ واگر آن مرد به گرفتن زن برادرش راضی نشود، آنگاه زن برادرش به دروازه نزد مشایخ برود و گوید: «برادر شوهر من از برپا داشتن اسم برادر خود در اسرائیل انکار می کند، و از بجا آوردن حق برادر شوهری با من ابا می نماید.»

۸ پس مشایخ شهرش او را طلبیده، با وی گفتگو کنند، و اگر اصرار کرده، بگویند نمی خواهیم او را بگیریم،

۹ آنگاه زن برادرش نزد وی آمده، به حضور مشایخ کفش او را از پایش بکند، و به رویش آب دهن اندازد، و در جواب گوید: «با کسی که خانه برادر خود را بنا نکند، چنین کرده شود.»

۱۰ و نام او در اسرائیل، خانه کفش کنده خوانده شود.

۱۱ و اگر دو شخص با یکدیگر منازعه نمایند، و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زنده اش رها کند و دست خود را دراز کرده، عورت او را بگیرد،

۱۲ پس دست او را قطع کن. چشم تو بر او ترحم نکند.

۱۳ در کیسه تو وزنه های مختلف، بزرگ و کوچک نباشد.

۱۴ در خانه تو کپلهای مختلف، بزرگ و کوچک، نباشد.

۱۵ تو را وزن صحیح و راست باشد و تو را کیل صحیح و راست باشد،

تا عمرت در زمینی که بیوه، خدایت، به تومی دهد دراز شود.

۱۶ زیرا هر که این کار کنديعی هر که بی انصافی نماید، نزد یهوه خدایت مکروه است.

۱۷ بیاد آور آنچه عمالیق وقت بیرون آمدنت از مصر در راه به تو نمودند.
۱۸ که چگونه تورادر راه، مقابله کرده، همه واماندگان را در عقب تو از موخرت قطع نمودند، در حالی که تضعیف و وامانده بودی و از خدا نترسیدند.

۱۹ پس چون یهوه خدایت تو را در زمینی که یهوه، خدایت، تو را برای تصرفش نصیب می دهد، از جمیع دشمنانت آرامی بخشد، آنگاه ذکر عمالیق را از زیر آسمان محو ساز و فراموش مکن.

۲۶

نوبر و دهیک

۱ و چون به زمینی که یهوه خدایت تو را نصیب می دهد داخل شدی، و در آن تصرف نموده، ساکن گردیدی،

۲ آنگاه نویر تمامی حاصل زمین را که از زمینی که یهوه خدایت به تومی دهد، جمع کرده باشی بگیر، و آن را در سیدگذاشته، به مکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گرداند، برو.

۳ و نزد کاهنی که در آن روزها باشد رفته، وی را بگو: «امروز برای یهوه خدایت اقرار می کنم که به زمینی که خداوند برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، داخل شده ام.»

۴ و کاهن سید را از دست گرفته، پیش مذبح یهوه خدایت بگذارد.

۵ پس تو به حضور یهوه خدای خود اقرار کرده، بگو: «پدر من آرامی آواره بود، و با عددی قلیل به مصر فرود شده، در آنجا غربت پذیرفت، و در آنجا امتی بزرگ و عظیم و کثیر شد.

۶ و مصریان با ما بدرفتاری نموده، ما را ذلیل ساختند، و بندگی سخت بر ما نهادند.

- ۷ و چون نزد یهوه، خدای پدران خود، فریاد برآوردیم، خداوند آواز ما را شنید و مشقت و محنت و تنگی ما را دید.
- ۸ و خداوند ما را از مصر به دست قوی و بازوی افراشته و خوف عظیم، و با آیات و معجزات بیرون آورد.
- ۹ و ما رابه این مکان درآورده، این زمین را زمینی که به شیرو شهید جاری است به ما بخشید.
- ۱۰ و الان اینک نوبر حاصل زمینی را که توای خداوند به من دادی، آورده‌ام.» پس آن را به حضور یهوه خدای خود بگذار، و به حضور یهوه، خدایت، عبادت نما.
- ۱۱ و تو با لاوی و غریبی که در میان تو باشد از تمامی نیکویی که یهوه، خدایت، به تو و به خاندانت بخشیده است، شادی خواهی نمود.
- ۱۲ و در سال سوم که سال عشر است، چون از گرفتن تمامی عشر محصول خود فارغ شدی، آن را به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن بده، تا در اندرون دروازه های تو بخورند و سیر شوند.
- ۱۳ و به حضور یهوه خدایت بگو: «موقوفات را از خانه خود بیرون کردم، و آنها را نیز به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن، موافق تمامی اوامری که به من امر فرمودی، دادم، و از اوامر تو تجاوز ننموده، فراموش نکردم.
- ۱۴ در ماتم خود از آنها نخوردم و در نجاستی از آنها صرف ننمودم، و برای اموات از آنها ندادم، بلکه به قول یهوه، خدایم، گوش داده، موافق هر آنچه به من امر فرمودی، رفتار نمودم.
- ۱۵ از مسکن مقدس خود از آسمان بنگر، و قوم خود اسرائیل و زمینی را که به ما دادی چنانکه برای پدران ما قسم خوردی، زمینی که به شیرو شهید جاری است، برکت بده،»

۱۶ امروز یهوه، خدایت، تو را امر می‌فرماید که این فرایض و احکام را بجا آوری، پس آنها را به تمامی دل و تمامی جان خود نگاه داشته، بجا آور.
 ۱۷ امروز به یهوه اقرار نمودی که خدای توست، و اینکه به طریقه‌های او سلوک خواهی نمود، و فرایض و اوامر و احکام او را نگاه داشته، آواز او را خواهی شنید.
 ۱۸ و خداوند امروز به تو اقرار کرده است که تو قوم خاص او هستی، چنانکه به تو وعده داده است، و تا تمامی اوامر او را نگاه داری.
 ۱۹ و تا تو را در ستایش و نام و اکرام از جمیع امتهایی که ساخته است، بلند گرداند، و تا برای یهوه، خدایت، قوم مقدس باشی، چنانکه وعده داده است.

۲۷

مذبح در کوه عیبال

۱ و موسی و مشایخ اسرائیل، قوم را امر فرموده، گفتند: «تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید.
 ۲ و در روزی که از اردن به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد عبور کنید، برای خود سنگهای بزرگ برپا کرده، آنها را با گچ بمال.
 ۳ و بر آنها تمامی کلمات این شریعت را بنویس، هنگامی که عبور نمایی تا به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد، داخل شوی، زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو وعده داده است.
 ۴ و چون از اردن عبور نمودی این سنگها را که امروز به شما امر می‌فرمایم در کوه عیبال برپا کرده، آنها را با گچ بمال.
 ۵ و در آنجا مذبحی برای یهوه خدایت بنا کن، و مذبح از سنگها باشد و آلت آهنین بر آنها بکار مبر.
 ۶ مذبح یهوه خدای خود را از سنگهای ناتراشیده بنا کن، و قربانی‌های سوختنی برای یهوه خدایت، بر آن بگذران.

۷ و ذبایح سلامتی ذبح کرده، در آنجا بخور و به حضور یهوه خدایت شادی نما.
 ۸ و تمامی کلمات این شریعت را بر آن به خط روشن بنویس.»

لعنت ها

- ۹ پس موسی و لاویان کهنه تمامی اسرائیل را خطاب کرده، گفتند:
 ۱۰ «ای اسرائیل خاموش باش و بشنو. امروز قوم یهوه خدایت شدی.
 ۱۱ پس آواز یهوه خدایت را بشنو و اوامر و فرایض او را که من امروز به تو امر می فرمایم، بجا آر.»
 ۱۲ «چون از اردن عبور کردید، اینان یعنی شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و یوسف و بنیامین بر کوه جرزیم بایستند تا قوم را برکت دهند.
 ۱۳ و اینان یعنی روبین و جاد و اشیر و زیبولون و دان و نفتالی بر کوه عیبال بایستند تا نفرین کنند.
 ۱۴ و لاویان جمیع مردان اسرائیل راه آواز بلند خطاب کرده، گویند:
 ۱۵ «ملعون باد کسی که صورت تراشیده یاریخته شده از صنعت دست کارگر که نزد خداوند مکروه است، بسازد، و مخفی نگاه دارد.» و تمامی قوم در جواب بگویند: «آمین!»
 ۱۶ «ملعون باد کسی که با پدر و مادر خود به خفت رفتار نماید.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»
 ۱۷ «ملعون باد کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»
 ۱۸ «ملعون باد کسی که نابینا را از راه منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»
 ۱۹ «ملعون باد کسی که داوری غریب و یتیم و بیوه را منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»
 ۲۰ «ملعون باد کسی که با زن پدر خود همبستر شود، چونکه دامن پدر خود را کشف نموده است.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

- ۲۱ «ملعون باد کسی که با هر قسم بهایی بخوابد.» و تمامی قوم بگویند:
«آمین»!
- ۲۲ «ملعون باد کسی که با خواهر خویش چه دختر پدر و چه دختر مادر
خویش بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین»!
- ۲۳ «ملعون باد کسی که با مادرزن خود بخوابد.» و تمامی قوم بگویند:
«آمین»!
- ۲۴ «ملعون باد کسی که همسایه خود را در پنهانی بزند.» و تمامی قوم
بگویند: «آمین»!
- ۲۵ «ملعون باد کسی که رشوه گیرد تا خون بی گاهی ریخته شود.» و
تمامی قوم بگویند: «آمین»!
- ۲۶ «ملعون باد کسی که کلمات این شریعت را اثبات نماید تا آنها را بجا
نیاورد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین»!

۲۸

برکت

- ۱ «و اگر آوازیهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی
اوامر او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت
تو را بر جمیع امتهای جهان بلند خواهد گردانید.
- ۲ و تمامی این برکتها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت، اگر
آوازیهوه خدای خود را بشنوی.
- ۳ در شهر، مبارک و در صحرا، مبارک خواهی بود.
- ۴ میوه بطن تو و میوه زمین تو و میوه بهایمت و بچه های گاو و بره های
گله تو مبارک خواهند بود.
- ۵ سبب و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود.
- ۶ وقت درآمدنت مبارک، و وقت بیرون رفتنت مبارک خواهی بود.

۷ «و خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت نمایند، از حضور تو منزهم خواهد ساخت، از یک راه بر تو خواهند آمد، و از هفت راه پیش تو خواهند گریخت.

۸ خداوند در انبارهای تو و به هر چه دست خود را به آن دراز می کنی بر تو برکت خواهد فرمود، و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد، مبارک خواهد ساخت.

۹ و اگر او امر یهوه خدای خود را نگاهداری، و در طریقهای او سلوک نمایی، خداوند تو را برای خود قوم مقدس خواهد گردانید، چنانکه برای تو قسم خورده است.

۱۰ و جمیع امتهای زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است، و از تو خواهند ترسید.

۱۱ و خداوند تو را در میوه بطنت و ثمره بهایمت و محصول زمینت، در زمینی که خداوند برای پدران تو قسم خورد که به تو بدهد، به نیکویی خواهد افزود.

۱۲ و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود، تا باران زمین تو را در موسمش بباراند، و تو را در جمیع اعمال دستت مبارک سازد، و به امتهای بسیار قرض خواهی داد، و تو قرض نخواهی گرفت.

۱۳ و خداوند تو را سر خواهد ساخت نه دم، و بلند خواهی بود فقط نه پست، اگر او امر یهوه خدای خود را که من امروز به تو امر می فرمایم بشنوی، و آنها را نگاه داشته، بجا آوری.

۱۴ و از همه سخنانی که من امروز به تو امر می کنم به طرف راست یا چپ میل نکنی، تا خدایان غیر را پیروی نموده، آنها را عبادت کنی.

لعنت

۱۵ «و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده، همه او امر و فرایض او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت.

- ۱۶ در شهر ملعون، و در صحرا ملعون خواهی بود.
- ۱۷ سید و ظرف خمیر تو ملعون خواهد بود.
- ۱۸ میوه بطن تو و میوه زمین تو و بچه های گاو و بره های گله تو ملعون خواهد بود.
- ۱۹ وقت درآمدت ملعون، و وقت بیرون رفتنت ملعون خواهی بود.
- ۲۰ و به هرچه دست خود را برای عمل نمودن دراز می کنی خداوند بر تو لعنت و اضطراب و سرزنش خواهد فرستاد تا به زودی هلاک و نابود شوی، به سبب بدی کارهایت که به آنها مرا ترک کرده ای،
- ۲۱ خداوند ویا را بر تو ملصق خواهد ساخت، تا تو را از زمینی که برای تصرفش به آن داخل می شوی، هلاک سازد.
- ۲۲ و خداوند تو را با سل و تب و التهاب و حرارت و شمشیر و باد سموم و یرقان خواهد زد، و تو را تعاقب خواهند نمود تا هلاک شوی.
- ۲۳ و فلک تو که بالای سر تو است مس خواهد شد، و زمینی که زیر تو است آهن.
- ۲۴ و خداوند باران زمینت را گرد و غبار خواهد ساخت، که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی.
- ۲۵ «و خداوند تو را پیش روی دشمنانت منهزم خواهد ساخت. از یک راه بر ایشان بیرون خواهی رفت، و از هفت راه از حضور ایشان خواهی گریخت، و در تمامی ممالک جهان به تلاطم خواهی افتاد.
- ۲۶ و بدن شما برای همه پرندگان هوا و بهایم زمین خوراک خواهد بود، و هیچ کس آنها را دور نخواهد کرد.
- ۲۷ خداوند تو را به دبل مصر و خراج و جرب و خارشنی که تواز آن شفا نتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت.
- ۲۸ خداوند تو را به دیوانگی و نابینایی و پریشانی دل مبتلا خواهد ساخت.
- ۲۹ و در وقت ظهر مثل کوری که در تاریکی لمس نماید کورانه راه خواهی رفت، و در راههای خود کامیاب نخواهی شد، بلکه در تمامی روزهایت مظلوم و غارت شده خواهی بود، و نجات دهنده ای نخواهد بود.

۳۰ زنی را نامزد خواهی کرد و دیگری با او خواهد خوابید. خانه‌ای بنا خواهی کرد و در آن ساکن نخواهی شد. تاکستانی غرس خواهی نمود و میوه‌اش را نخواهی خورد.

۳۱ گاو در نظرت کشته شود و از آن نخواهی خورد. الاغت پیش روی تو به غارت برده شود و باز به دست تو نخواهند آمد. گوسفند تو به دشمنت داده می‌شود و برای تو رهاکننده‌ای نخواهد بود.

۳۲ پسران و دخترانت به امت دیگر داده می‌شوند، و چشمانت نگریسته از آرزوی ایشان تمامی روز کاهیده خواهد شد، و در دست تو هیچ قوه‌ای نخواهد بود.

۳۳ میوه زمین و مشقت تو را امتی که نشناخته‌ای، خواهند خورد، و همیشه فقط مظلوم و کوفته شده خواهی بود.

۳۴ به حدی که از چیزهایی که چشمت می‌بیند، دیوانه خواهی شد.

۳۵ خداوند زنانها و ساقها و از کف پا تا فرق سر تو را به دنبل بد که از آن شفا نتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت.

۳۶ خداوند تو را و پادشاهی را که بر خود نصب می‌نمایی، بسوی امتی که تو و پدرانت نشناخته‌اید، خواهد برد، و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ عبادت خواهی کرد.

۳۷ در میان تمامی امتهایی که خداوند شما را به آنجا خواهد برد، عبرت و مثل و سخریه خواهی شد.

۳۸ «تخم بسیار به مزرعه خواهی برد، و اندکی جمع خواهی کرد چونکه ملخ آن را خواهد خورد.

۳۹ تاکستانها غرس نموده، خدمت آنها را خواهی کرد، اما شراب را نخواهی نوشید و انگور را نخواهی چید، زیرا کرم آن را خواهد خورد.

۴۰ تو را در تمامی حدودت درختان زیتون خواهد بود، لکن خویشتن را به زیت تدهین نخواهی کرد، زیرا زیتون تو نارس ریخته خواهد شد.

۴۱ پسران و دختران خواهی آورد، لیکن از آن تو نخواهند بود، چونکه به اسیری خواهند رفت.

- ۴۲ تمامی درختانت و محصول زمینت را ملخ به تصرف خواهد آورد.
- ۴۳ غریبی که در میان تو است بر توبه نهایت رفیع و برافراشته خواهد شد، و توبه نهایت پست و متنزل خواهی گردید.
- ۴۴ او به تو قرض خواهد داد و توبه او قرض نخواهی داد، او سر خواهد بود و تو دم خواهی بود.
- ۴۵ «و جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را تعاقب نموده، خواهد دریافت تا هلاک شوی، از این جهت که قول یهوه خدایت را گوش ندادی تا او امر و فریضی را که به تو امر فرموده بود، نگاه داری.
- ۴۶ و تو را و ذریت تو را تا به ابدآیت و شگفت خواهد بود.
- ۴۷ «از این جهت که یهوه خدای خود را به شادمانی و خوشی دل برای فراوانی همه چیز عبادت نمودی.
- ۴۸ پس دشمنانت را که خداوند بر تو خواهد فرستاد در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و احتیاج همه چیز خدمت خواهی نمود، و یوغ آهنین بر گردنت خواهد گذاشت تا تو را هلاک سازد.
- ۴۹ و خداوند از دور، یعنی از اقصای زمین، امتی را که مثل عقاب می‌پرد بر تو خواهد آورد، امتی که زبانش را نخواهی فهمید.
- ۵۰ امتی مهیب صورت که طرف پیران را نگاه ندارد و بر جوانان ترحم ننماید.
- ۵۱ و نتایج بهایم و محصول زمینت را بخورد تا هلاک شوی. و برای تو نیز غله و شیر و روغن و بچه های گاو و بره های گوسفند را باقی نگذارد تا تو را هلاک سازد.
- ۵۲ و تو را در تمامی دروازه های محاصره کند تا دیواره های بلند و حصین که بر آنها توکل داری در تمامی زمین منهدم شود، و تو را در تمامی دروازه های، در تمامی زمینی که یهوه خدایت به تو می‌دهد، محاصره خواهد نمود.
- ۵۳ و میوه بطن خود، یعنی گوشت پسران و دخترانت را که یهوه خدایت به تو می‌دهد در محاصره و تنگی که دشمنانت تو را به آن زبون خواهند

ساخت، خواهی خورد.

۵۴ مردی که در میان شما نرم و بسیار متنعم است، چشمش بر برادر خود و زن هم آغوش خویش و بقیه فرزندانش که باقی می ماند بد خواهد بود.

۵۵ به حدی که به احدی از ایشان از گوشت پسران خود که می خورد نخواهد داد زیرا که در محاصره و تنگی که دشمنان تو را در تمامی دروازه هایت به آن زبون سازند، چیزی برای او باقی نخواهد ماند.

۵۶ وزنی که در میان شما نازک و متنعم است که به سبب تنعم و نازکی خود جرات نمی کرد که کف پای خود را به زمین بگذارد، چشم او بر شوهر هم آغوش خود و پسر و دختر خویش بد خواهد بود.

۵۷ و بر مشیمه ای که از میان پایهای او درآید و بر اولادی که بزاید زیرا که آنها را به سبب احتیاج همه چیز در محاصره و تنگی که دشمنان در دروازه هایت به آن تو را زبون سازند به پنهانی خواهد خورد.»

۵۸ اگر به عمل نمودن تمامی کلمات این شریعت که در این کتاب مکتوب است، هوشیارنشوی و از این نام مجید و مهیب، یعنی یهوه، خدایت، نترسی، ۵۹ آنگاه خداوند بلایای تو و بلایای اولاد تو را عجیب خواهد ساخت، یعنی بلایای عظیم و مزمن و مرضهای سخت و مزمن.

۶۰ و تمامی بیماریهای مصر را که از آنها می ترسیدی بر تو باز خواهد آورد و به تو خواهد چسبید.

۶۱ و نیز همه مرضها و همه بلایایی که در طومار این شریعت مکتوب نیست آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک شوی.

۶۲ و گروه قلیل خواهید ماند، برعکس آن که مثل ستارگان آسمان کثیر بودید، زیرا که آواز یهوه خدای خود را نشنیدید.

۶۳ و واقع می شود چنانکه خداوند بر شما شادی نمود تا به شما احسان کرده، شما را بیفزاید همچنانکه خداوند بر شما شادی خواهد نمود تا شما را هلاک و نابود گرداند، و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش در آن داخل می شوید

کنده خواهد شد.

۶۴ و خداوند تو را در میان جمیع امتها از کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانت نشناخته‌اید، عبادت خواهی کرد.

۶۵ و در میان این امتها استراحت نخواهی یافت و برای کف پایت آرامی نخواهد بود، و در آنجا یهوه تو را دل لرزان و کاهیدگی چشم و پرمردگی جان خواهد داد.

۶۶ و جان تو پیش رویت معلق خواهد بود، و شب و روز ترسناک شده، به جان خود اطمینان نخواهی داشت.

۶۷ بامدادان خواهی گفت: کاش که شام می‌بود، و شامگاهان خواهی گفت: کاش که صبح می‌بود، به سبب ترس دلت که به آن خواهی ترسید، و به سبب رویت چشمت که خواهی دید.

۶۸ و خداوند تو را در کشتیها از راهی که به تو گفتم آن را دیگر نخواهی دید به مصر باز خواهد آورد، و خود را در آنجا به دشمنان خویش برای غلامی و کنیزی خواهید فروخت و مشتری نخواهد بود.»

۲۹

نگه داشتن احکام خداوند

۱ این است کلمات عهدی که خداوند در زمین موآب به موسی امر فرمود که بابنی اسرائیل ببندد، سوای آن عهد که با ایشان در حوریب بسته بود.
۲ و موسی تمامی اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان گفت: «هرآنچه خداوند در زمین مصر با فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش عمل نمود، شما دیده‌اید.

۳ تجربه‌های عظیم که چشمان تو دید و آیات و آن معجزات عظیم.

۴ اما خداوند دلی را که بدانید و چشمانی را که ببینید و گوشهایی را که بشنوید تا امروز به شما نداده است.

۵ و شما را چهل سال در بیابان رهبری نمودم که لباس شما مندرس نگردید، و کفشها درپای شما پاره نشد.
 ۶ نان نخورده و شراب و مسکرت ننوشیده‌اید، تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم.

۷ و چون به اینجا رسیدید، سیحون، ملک حبشون، و عوج، ملک باشان، به مقابله شما برای جنگ بیرون آمدند و آنها را مغلوب ساختیم.
 ۸ و زمین ایشان را گرفته، به رویینیان و جادیان و نصف سبط منسی به ملکیت دادیم.

۹ پس کلمات این عهد را نگاه داشته، بجا آورید تا در هرچه کنید کامیاب شوید.

۱۰ «امروز جمیع شما به حضور یهوه، خدای خود حاضرید، یعنی روسای شما و اسباط شما و مشایخ شما و سروران شما و جمیع مردان اسرائیل.

۱۱ و اطفال و زنان شما و غریبی که در میان اردوی شماست از هیزم شکان تا آب کشان شما.

۱۲ تا در عهد یهوه خدایت و سوگند او که یهوه خدایت امروز با تو استوار می‌سازد، داخل شوی.

۱۳ تا تو را امروز برای خود قومی برقرار دارد، و او خدای تو باشد چنانکه به تو گفته است، و چنانکه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده است.

۱۴ و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمی‌نمایم.

۱۵ بلکه باآنانی که امروز با ما به حضور یهوه خدای ما در اینجا حاضرند، و هم باآنانی که امروز با ما در اینجا حاضر نیستند.

۱۶ زیرا شما می‌دانید که چگونه در زمین مصر سکونت داشتیم، و چگونه از میان امتهایی که عبور نمودید، گذشتیم.

۱۷ و رجاسات و بتهای ایشان را از چوب و سنگ و نقره و طلا که در

میان ایشان بود، دیدید.

۱۸ تا در میان شما مرد یا زن یا قبیله یا سبطی نباشد که دلش امروز از یهوه خدای ما منحرف گشته، برود و خدایان این طوایف را عبادت نماید، مبادا در میان شما ریشه‌ای باشد که حنظل و افسنتین بار آورد.

۱۹ «و مبادا چون سخنان این لعنت را بشنود دردش خویشتن را برکت داده، گوید: هر چند در سختی دل خود سلوک می‌نمایم تا سیراب و تشنه را با هم هلاک سازم، مرا سلامتی خواهد بود.

۲۰ خداوند او را نخواهد آمرزید، بلکه در آن وقت خشم و غیرت خداوند بر آن شخص دودافشان خواهد شد، و تمامی لعنتی که در این کتاب مکتوب است، بر آن کس نازل خواهد شد، و خداوند نام او را از زیر آسمان محو خواهد ساخت.

۲۱ و خداوند او را از جمیع اسباط اسرائیل برای بدی جدا خواهد ساخت، موافق جمیع لعنت‌های عهدی که در این طومار شریعت مکتوب است.

۲۲ و طبقه آینده یعنی فرزندان شما که بعد از شما خواهند برخاست، و غریبانی که از زمین دور می‌آیند، خواهند گفت: هنگامی که بلایای این زمین و بیماری‌هایی که خداوند به آن می‌رساند ببینند.

۲۳ و تمامی زمین آن را که کبریت و شوره و آتش شده، نه کاشته می‌شود و نه حاصل می‌روید و هیچ علف در آن نمونمی‌کند و مثل انقلاب سدوم و عموره و ادمه صبوئیم که خداوند در غضب و خشم خود آنها را واژگون ساخت، گشته است.

۲۴ پس جمیع امت‌ها خواهند گفت: چرا خداوند با این زمین چنین کرده است و شدت این خشم عظیم از چه سبب است؟

۲۵ آنگاه خواهند گفت: از این جهت که عهد یهوه خدای پدران خود را که به وقت بیرون آوردن ایشان از زمین مصر با ایشان بسته بود، ترک کردند.

۲۶ و رفته، خدایان غیر را عبادت نموده، به آنها سجده کردند، خدایانی را

که نشناخته بودند و قسمت ایشان نساخته بود.
 ۲۷ پس خشم خداوند بر این زمین افروخته شده، تمامی لعنت را که در این کتاب مکتوب است، بر آن آورد.
 ۲۸ و خداوند ریشه ایشان را به غضب و خشم و غیض عظیم، از زمین ایشان کند و به زمین دیگر انداخت، چنانکه امروز شده است.
 ۲۹ چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم.

۳۰

برای بازگشت بسوی خدا

۱ و چون جمیع این چیزها، یعنی برکت و لعنتی که پیش روی تو گذاشتم بر تو عارض شود، و آنها را در میان جمیع امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا خواهد راند، بیادآوری.
 ۲ و تو با فرزندان با تمامی دل و تمامی جان خود به سوی یهوه خدایت بازگشت نموده، قول او را موافق هرآنچه که من امروز به تو امر می فرمایم، اطاعت نمایی.
 ۳ آنگاه یهوه خدایت اسیری تو را برگردانیده، بر تو ترحم خواهد کرد، و رجوع کرده، تو را از میان جمیع امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا پراکنده کرده است، جمع خواهد نمود.
 ۴ اگر آوارگی تو تا کران آسمان بشود، یهوه، خدایت، تو را از آنجا جمع خواهد کرد و تو را از آنجا خواهد آورد.
 ۵ و یهوه، خدایت، تو را به زمینی که پدران مالک آن بودند خواهد آورد، و مالک آن خواهی شد، و بر تو احسان نموده، تو را بیشتر از پدران خواهد افزود.

۶ «و یهوه خدایت دل تو و دل ذریت تو را بختون خواهد ساخت تا یهوه خدایت را به تمامی دل و تمامی جان خود دوست داشته، زنده بمانی.

۷ و یهوه خدایت جمیع این لعنتها را بر دشمنان و بر خصمانت که تو را آزرده، نازل خواهد گردانید.

۸ و تو بازگشت نموده، قول خداوند را اطاعت خواهی کرد، و جمیع اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، بجا خواهی آورد.

۹ و یهوه، خدایت، تو را در تمامی اعمال دستت و در میوه بطنت و نتایج بهایت و محصول زمینت به نیکویی خواهد افزود، زیرا خداوند بار دیگر بر تو برای نیکویی شادی خواهد کرد، چنانکه بر پدران تو شادی نمود.

۱۰ اگر آواز یهوه خدای خود را اطاعت نموده، اوامر و فرایض او را که در طومار این شریعت مکتوب است، نگاه داری، و به سوی یهوه، خدای خود، با تمامی دل و تمامی جان بازگشت نمایی.

حیات و موت

۱۱ «زیرا این حکمی که من امروز به تو امر می‌فرمایم، برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست.

۱۲ نه در آسمان است تا بگویی کیست که به آسمان برای ما صعود کرده، آن را نزد ما بیاورد و آن را به ما بشنواند تا به عمل آوریم.

۱۳ و نه آن طرف دریا که بگویی کیست که برای ما به آن طرف دریا عبور کرده، آن را نزد ما بیاورد و به ما بشنواند تا به عمل آوریم.

۱۴ بلکه این کلام، بسیار نزدیکت و در دهان و دل توست تا آن را بجا آوری.

۱۵ «بین امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم.

۱۶ چونکه من امروز تو را امر می‌فرمایم که یهوه خدای خود را دوست بداری و در طریقهای او رفتار نمایی، و اوامر و فرایض و احکام او را نگاه

داری تا زنده مانده، افزوده شوی، و تاییه، و تاییه، خدایت، تو را در زمینی که برای تصرفش به آن داخل می شوی، برکت دهد.

۱۷ لیکن اگر دل تو برگردد و اطاعت نمایی و فریفته شده، خدایان غیر را سجده و عبادت نمایی،

۱۸ پس امروز به شما اطلاع می دهم که البته هلاک خواهید شد، و در زمینی که از اردن عبور می کنید تا در آن داخل شده، تصرف نمائید، عمر طویل نخواهید داشت.

۱۹ امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم، پس حیات را برگزین تا تو با ذریتت زنده بمانی.

۲۰ و تاییه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و با او مصلق شوی، زیرا که او حیات تو و درازی عمرت است تا در زمینی که خداوند برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که آن را به ایشان بدهد، ساکن شوی.»

۳۱

یوشع، جانشین موسی

۱ و موسی رفته، این سخنان را به تمامی اسرائیل بیان کرد،

۲ و به ایشان گفت: «من امروز صد و بیست ساله هستم و دیگر طاقت خروج و دخول ندارم، و خداوند به من گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد.

۳ یهوه خدای تو، خود به حضور تو عبور خواهد کرد، و او این امتها را از حضور تو هلاک خواهد ساخت، تا آنها را به تصرف آوری، و یوشع نیز پیش روی تو عبور خواهد نمود چنانکه خداوند گفته است.

۴ و خداوند چنانکه به سیحون و عوج، دو پادشاه اموریان، که هلاک ساخت و به زمین ایشان عمل نمود به اینها نیز رفتار خواهد کرد.

۵ پس چون خداوند ایشان را به دست شما تسلیم کند شما بایشان موافق تمامی حکمی که به شما امر فرمودم، رفتار نمایید.

۶ قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید، زیرا یهوه، خدایت، خود با تومی رود و تو را و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود.»

۷ و موسی یوشع را خوانده، در نظر تمامی اسرائیل به او گفت: «قوی و دلیر باش زیرا که تو با این قوم به زمینی که خداوند برای پدران ایشان قسم خورد که به ایشان بدهد داخل خواهی شد، و تو آن را برای ایشان تقسیم خواهی نمود.

۸ و خداوند خود پیش روی تومی رود او با تو خواهد بود و تو را و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود پس ترسان و هراسان مباش.»

قرائت تورات

۹ و موسی این تورات را نوشته، آن را به بنی لاوی کهنه که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند و به جمیع مشایخ اسرائیل سپرد.

۱۰ و موسی ایشان را امر فرموده، گفت: «که در آخر هر هفت سال، در وقت معین سال انفکاک در عید خیمه‌ها،

۱۱ چون جمیع اسرائیل بیایند تا به حضور یهوه خدای تو در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، آنگاه این تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان.

۱۲ قوم را از مردان و زنان و اطفال و غریبانی که در دروازه های تو باشند جمع کن تا بشنوند، و تعلیم یافته، از یهوه خدای شما بترسند و به عمل نمودن جمیع سخنان این تورات هوشیار باشند.

۱۳ و تا پسران ایشان که ندانسته‌اند، بشنوند، و تعلیم یابند، تا مادامی که شما بر زمینی که برای تصرفش از اردن عبور می کنید زنده باشید، از یهوه خدای شما بترسند.»

پیشگویی سرکشی اسرائیل

۱۴ و خداوند به موسی گفت: «اینک ایام مردن تو نزدیک است، یوشع را طلب نما و در خیمه اجتماع حاضر شوید تا او را وصیت نمایم.» پس موسی و یوشع رفته، در خیمه اجتماع حاضر شدند.

۱۵ و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر، بر در خیمه ایستاد.

۱۶ و خداوند به موسی گفت: «اینک با پدران خود می‌خواهی و این قوم برخاسته، در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می‌روند، زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست.

۱۷ و در آن روز، خشم من بر ایشان مشتعل شده، ایشان را ترک خواهم نمود، و روی خود را از ایشان پنهان کرده، تلف خواهند شد، و بدیها و تنگیهای بسیار به ایشان خواهد رسید، به حدی که در آن روز خواهند گفت: «آیا این بدیها به ما نرسید از این جهت که خدای ما در میان ما نیست؟»

۱۸ و به سبب تمامی بدی که کرده‌اند که به سوی خدایان غیر برگشته‌اند من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد.

۱۹ پس الان این سرود را برای خود بنویسید و تو آن را به بنی اسرائیل تعلیم داده، آن را در دهان ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنی اسرائیل شاهد باشد.

۲۰ زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، درآورده باشم، و چون ایشان خورده، و سیر شده، و فربه گشته باشند، آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته، آنها را عبادت خواهند نمود، و مرا اهانت کرده، عهد مرا خواهند شکست.

۲۱ و چون بدیها و تنگیهای بسیار بر ایشان عارض شده باشد، آنگاه این سرود مثل شاهد پیش روی ایشان شهادت خواهد داد، زیرا که از دهان ذریت ایشان فراموش نخواهد شد، زیرا خیالات ایشان را نیز که امروز دارند

می دانم، قبل از آن که ایشان را به زمینی که درباره آن قسم خوردم، درآورم.»

۲۲ پس موسی این سرود را در همان روز نوشته، به بنی اسرائیل تعلیم داد.

۲۳ و یوشع بن نون را وصیت نموده، گفت: «قوی و دلیر باش زیرا که تو بنی اسرائیل را به زمینی که برای ایشان قسم خوردم داخل خواهی ساخت، و من با تو خواهم بود.»

۲۴ و واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این تورات را در کتاب، تمام به انجام رسانید،

۲۵ موسی به لاویانی که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند وصیت کرده، گفت:

۲۶ «این کتاب تورات را بگیرید و آن را در پهلوئی تابوت عهدیهوه، خدای خود، بگذارید تا در آنجا برای شما شاهد باشد.

۲۷ زیرا که من ترمذ و گردن کشتی شمارا می دانم، اینک امروز که من هنوز با شما زنده هستم بر خداوند فتنه انگیزخته اید، پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من.

۲۸ جمیع مشایخ اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم، و آسمان و زمین را برایشان شاهد بگیرم.

۲۹ زیرا می دانم که بعد از وفات من خویشان را بالکل فاسد گردانیده، از طریقی که به شما امر فرمودم خواهید برگشت، و در روزهای آخر بدی بر شما عارض خواهد شد، زیرا که آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد، و از اعمال دست خود، خشم خداوند را به هیجان خواهید آورد.»

۳۰ پس موسی کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت اسرائیل تمام گفت: سرود موسی ای آسمان گوش بگیر تا بگویم.

۳۲

- ۱ و زمین سخنان دهانم را بشنود.
- ۲ تعلیم من مثل باران خواهد بارید. و کلام من مثل شبنم خواهد ریخت. مثل قطره های باران بر سبزه تازه، و مثل بارشها بر نباتات.
- ۳ زیرا که نام یهوه را ندا خواهم کرد. خدای ما رابه عظمت وصف نماید.
- ۴ او صخره است و اعمال او کامل. زیرا همه طریقه های او انصاف است. خدای امین و از ظلم مبرا. عادل و راست است او.
- ۵ ایشان خود را فاسد نموده، فرزندان او نیستند بلکه عیب ایشانند. طبقه کج و متمدند.
- ۶ آیا خداوند را چنین مکافات می دهید، ای قوم احمق و غیر حکیم. آیا او پدر و مالک تو نیست. او تو را آفرید و استوار نمود.
- ۷ ایام قدیم را بیاد آور. در سالهای دهر به دهر تا مل ثما. از پدر خود بپرس تا تو را آگاه سازد. و از مشایخ خویش تا تو را اطلاع دهند.
- ۸ چون حضرت اعلی به امته نصیب ایشان را داد و بنی آدم را منتشر ساخت، آنگاه حدود امته را قرار داد، برحسب شماره بنی اسرائیل.
- ۹ زیرا که نصیب یهوه قوم وی است. و یعقوب قرعه میراث اوست.
- ۱۰ او را در زمین ویران یافت. و در بیابان خراب و هولناک. او را احاطه کرده، منظور داشت. و او را مثل مردمک چشم خود محافظت نمود.
- ۱۱ مثل عقابی که آشیانه خود را حرکت دهد. و بچه های خود را فروگیرد. و بالهای خود را پهن کرده، آنها را بردارد. و آنها را بر پرهای خود ببرد.
- ۱۲ همچنین خداوند تنها او را رهبری نمود. و هیچ خدای بیگانه با وی نبود.
- ۱۳ او را بر بلندبهای زمین سوار کرد تا از محصولات زمین بخورد. و شهد را از صخره به اوداد تا مکید. و روغن را از سنگ خارا.

۱۴ کره گاو و شیر گوسفندان را با پیه بره‌ها و قوچها را از جنس باشان و بزها. و پیه گرده‌های گندم را. و شراب از عصیر انگور نوشیدی.

۱۵ لیکن یشورون فربه شده، لگد زد. تو فربه و تنومند و چاق شده‌ای. پس خدایی را که او را آفریده بود، ترک کرد. و صخره نجات خود را حقیر شمرد.

۱۶ او را به خدایان غریب به غیرت آوردند. و خشم او را به رجاسات جنبش دادند.

۱۷ برای دیوهایی که خدایان نبودند، قربانی گذرانیدند، برای خدایانی که نشناخته بودند، برای خدایان جدید که تازه به وجود آمده، و پدران ایشان از آنها ترسیده بودند.

۱۸ و به صخره‌ای که تو را تولید نمود، اعتنانمودی. و خدای آفریننده خود را فراموش کردی.

۱۹ چون پیوه این را دید ایشان را مکروه داشت. چونکه پسران و دخترانش خشم او را به هیجان آوردند.

۲۰ پس گفت روی خود را از ایشان خواهم پوشید. تا ببینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود.

زیرا طبقه بسیار گردن کشند. و فرزندی که امانتی در ایشان نیست.

۲۱ ایشان مرا به آنچه خدا نیست به غیرت آوردند. و به باطل خود مرا دشمنان گردانیدند. و من ایشان را به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد. و به امت باطل، ایشان را دشمنان خواهم ساخت.

۲۲ زیرا آتشی در غضب من افروخته شده. و تاهاویه پایین‌ترین شعله‌ور شده است. و زمین را با حاصلش می‌سوزاند. و اساس کوهها را آتش خواهد زد.

۲۳ بر ایشان بلایا را جمع خواهم کرد. و تیرهای خود را تمام بر ایشان صرف خواهم نمود.

۲۴ از گرسنگی کاهیده، و از آتش تب، و از وبای تلخ تلف می‌شوند. و دندانهای وحوش را به ایشان خواهم فرستاد، با زهر خزندگان زمین.

۲۵ شمشیر از بیرون و دهشت از اندرون. ایشان را بی اولاد خواهد ساخت. هم جوان و هم دوشیزه را. شیرخواره را با ریش سفید هلاک خواهد کرد.

۲۶ می‌گفتم ایشان را پراکنده کنم و ذکر ایشان را از میان مردم، باطل سازم.

۲۷ اگر از کینه دشمن نمی‌ترسیدم که مبادا مخالفان ایشان برعکس آن فکر کنند، و بگویند دست ما بلند شده، و یهوه همه این را نکرده است.

۲۸ زیرا که ایشان قوم گم کرده تدبیر هستند. و در ایشان بصیرتی نیست.

۲۹ کاش که حکیم بوده، این را می‌فهمیدید. و در عاقبت خود تامل می‌نمودند.

۳۰ چگونه یک نفر هزار را تعاقب می‌کرد. و دو نفر ده هزار را منهزم می‌ساختند. اگر صخره ایشان، ایشان را نفروخته. و خداوند، ایشان را تسلیم نموده بود.

۳۱ زیرا که صخره ایشان مثل صخره ما نیست. اگرچه هم دشمنان ما خود، حکم باشند.

۳۲ زیرا که مو ایشان از موهای سدوم است، و از تاکستانهای عموره. انگورهای ایشان انگورهای حنظل است، و خوشه‌های ایشان تلخ است.

۳۳ شراب ایشان زهر اژدرهاست. و سم قاتل افعی.

۳۴ آیا این نزد من مکنون نیست. و درخزانه‌های من مختوم نی.

۳۵ انتقام و جزا از آن من است، هنگامی که پایهای ایشان بلغزد، زیرا که روز هلاکت ایشان نزدیک است و قضای ایشان می‌شتابد.

۳۶ زیرا خداوند، قوم خود را داوری خواهد نمود. و بر بندگان خویش شفقت خواهد کرد. چون می بیند که قوت ایشان نابود شده، و هیچکس چه غلام و چه آزاد باقی نیست.

۳۷ و خواهد گفت: خدایان ایشان بجایند، و صخره ای که بر آن اعتماد می داشتند.

۳۸ که پیه قربانی های ایشان را می خوردند. و شراب هدایای ریختنی ایشان را می نوشیدند. آنها برخاسته، شما را امداد کنند. و برای شما ملجأ باشند.

۳۹ الان ببینید که من خود، او هستم. و با من خدای دیگری نیست. من می میرانم و زنده می کنم. مجروح می کنم و شفا می دهم. و از دست من رهانده ای نیست.

۴۰ زیرا که دست خود را به آسمان برمی افرازم، و می گویم که من تا ابد الاباد زنده هستم.

۴۱ اگر شمشیر براق خود را تیز کنم. و قصاص را به دست خود گیرم. آنگاه از دشمنان خود انتقام خواهم کشید. و به خصمان خود مکافات خواهم رسانید.

۴۲ تیرهای خود را از خون مست خواهم ساخت. و شمشیر من گوشت را خواهد خورد. از خون کشتگان و اسیران، با روسای سروران دشمن.
۴۳ ای امته با قوم او آواز شادمانی دهید. زیرا انتقام خون بندگان خود را گرفته است. و از دشمنان خود انتقام کشیده و برای زمین خود وقوم خویش کفارہ نموده است.

۴۴ و موسی آمده، تمامی سخنان این سرود را به سمع قوم رسانید، او و یوشع بن نون.

۴۵ و چون موسی از گفتن همه این سخنان به تمامی اسرائیل فارغ شد،

۴۶ به ایشان گفت: «دل خود را به همه سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم، مشغول سازید، تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند.

۴۷ زیرا که این برای شما امر باطل نیست، بلکه حیات شماست، و به واسطه این امر، عمر خود را در زمینی که شما برای تصرفش از اردن به آنجا عبور می‌کنید، طویل خواهید ساخت.»

اخبار رحلت موسی

۴۸ و خداوند در همان روز موسی را خطاب کرده، گفت:

۴۹ «به این کوه عباریم یعنی جبل نبوکه در زمین موآب در مقابل اریحاست برای، و زمین کنعان را که من آن را به بنی اسرائیل به ملکیت می‌دهم ملاحظه کن.

۵۰ و تو در کوهی که به آن برمی آبی وفات کرده، به قوم خود ملحق شو، چنانکه برادرت هارون در کوه هور مرد و به قوم خود ملحق شد.

۵۱ زیرا که شما در میان بنی اسرائیل نزد آب مریبا قادش در بیابان سین به من تقصیر نمودید، چون که مرا در میان بنی اسرائیل تقدیس نکردید.

۵۲ پس زمین را پیش روی خود خواهی دید، لیکن به آنجا به زمینی که به بنی اسرائیل می‌دهم، داخل نخواهی شد.»

۳۳

دعای برکت موسی

۱ و این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده،

۲ گفت: «یهوه از سینا آمد، و از سعیر برایشان طلوع نمود. و از جبل فاران درخشان گردید. و با کورهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد.

۳ به درستی که قوم خود را دوست می‌دارد. و جمیع مقدسانش در دست تو هستند. و نزدپایه‌های تو نشسته، هر یکی از کلام تو بهره‌مندی شوند.

۴ موسی برای ما شریعتی امر فرمود که میراث جماعت یعقوب است. ۵ و او در یسورون پادشاه بود هنگامی که روسای قوم اسباط اسرائیل با هم جمع شدند.

۶ رو بین زنده بماند و نمیرد. و مردان او در شماره کم نباشند.»

۷ و این است درباره یهودا که گفت: «ای خداوند آواز یهودا را بشنو. و او را به قوم خودش برسان. به دستهای خود برای خویشتن جنگ می‌کند. و تو از دشمنانش معاون می‌باشی.»

۸ و درباره لاوی گفت: «تمیم و اوریم تو نزد مرد مقدس توست. که او را در مسامحتان نمودی. و با او نزد آب مریمنازعت کردی. ۹ که درباره پدر و مادر خود گفت که ایشان را ندیده‌ام و برادران خود را نشناخت. و پسران خود را ندانست. زیرا که کلام تو را نگاه می‌داشتند. و عهد تو را محافظت می‌نمودند.

۱۰ احکام تو را به یعقوب تعلیم خواهند داد. و شریعت تو را به اسرائیل. بخور به حضور تو خواهند آورد. و قربانی‌های سوختنی بر مذبح تو. ۱۱ ای خداوند اموال او را برکت بده، و اعمال دستهای او را قبول فرما. کمرهای مقاومت کنندگانش را بشکن. کمرهای خصمان او را که دیگر برنخیزند.»

۱۲ و درباره بنیامین گفت: «حبیب خداوند زدوی ایمن ساکن می‌شود. تمامی روز او را مستور می‌سازد. و در میان کتفهایش ساکن می‌شود.»

۱۳ و درباره یوسف گفت: «زمینش از خداوند مبارک باد، از نفایس آسمان و از شبنم، و از لجه‌ها که در زیرش مقیم است.

۱۴ از نفایس محصولات آفتاب و از نفایس نباتات ماه.

۱۵ از غرهای کوههای قدیم، و از نفایس تلهای جاودانی.

- ۱۶ ازنفایس زمین و پری آن، و از رضامندی او که در بوته ساکن بود. برکت بر سر یوسف برسد. و برفرق سر آنکه از برادران خود ممتاز گردید.
- ۱۷ جاه او مثل نخست زاده گاو ش باشد. و شاخهایش مثل شاخهای گاو وحشی. با آنها امتهارا جمیع تا به اقصای زمین خواهد زد. و ایناننده هزارهای افرایم و هزارهای منسی.»
- ۱۸ و در باره زیولون گفت: «ای زیولون در بیرون رفتنت شاد باش، و توای یسا کار در خیمه های خویش.»
- ۱۹ قومها را به کوه دعوت خواهند نمود. در آنجا قربانی های عدالت را خواهند گذرانید.
- زیرا که فراوانی دریا را خواهند مکید. و خزانه های مخفی ریگ را.»
- ۲۰ و در باره جاد گفت: «متبارک باد آنکه جاد را وسیع گرداند. مثل شیر ماده ساکن باشد، و بازو و فرق را نیز می درد،
- ۲۱ و حصه بهترین را برای خود نگاه دارد، زیرا که در آنجا نصیب حاکم محفوظ است. و با روسای قوم می آید. و عدالت خداوند و احکامش را با اسرائیل بجای آورد.»
- ۲۲ و در باره دان گفت: «دان بچه شیر است که از باشان می جهد.»
- ۲۳ و در باره نفتالی گفت: «ای نفتالی از رضامندی خداوند سیر شو. و از برکت او مملو گردیده، مغرب و جنوب را به تصرف آور.»
- ۲۴ و در باره اشیر گفت: «اشیر از فرزندان مبارک شود، و نزد برادران خود مقبول شده، پای خود را به روغن فرو برد.»
- ۲۵ نعلین تو از آهن و برنجست، و مثل روزهایت همچنان قوت تو خواهد بود.
- ۲۶ ای یشورون مثل خدا کسی نیست، که برای مدد تو بر آسمانها سوار شود. و در کبریای خود بر افلاک.
- ۲۷ خدای ازلی مسکن توست. و در زیر تو بازوهای جاودانی است. و دشمن را از حضور تو اخراج کرده، می گوید هلاک کن.

۲۸ پس اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد، و چشمه یعقوب به تنهایی،
و در زمینی که پر از غله و شیره باشد. و آسمان آن شبم می‌ریزد.
۲۹ خوشابه حال توای اسرائیل. کیست مانند تو! ای قومی که از خداوند
نجات یافته‌اید. که او سپر نصرت تو و شمشیر جاه توست. و دشمنانت مطیع
تو خواهند شد. و تو بلندیه‌ای ایشان را پایمال خواهی نمود.»

۳۴

رحلت موسی، مرد خدا

۱ و موسی از عربات موآب، به کوه نبو، برقله فسجه که در مقابل
اریحاست برآمد، و خداوند تمامی زمین را، از جلعاد تا دان، به او نشان داد.
۲ و تمامی نفتالی و زمین افرایم و منسی و تمامی زمین یهودا را تا دریای
مغربی.
۳ و جنوب را و میدان دره اریحا را که شهر نخلستان است تا صوغر.
۴ و خداوند وی را گفت: «این است زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و
یعقوب قسم خورده، گفتم که این را به ذریت تو خواهم داد، تو را اجازت
دادم که به چشم خود آن را ببینی لیکن به آنجا عبور نخواهی کرد.»
۵ پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند
مرد.
۶ و او را در زمین موآب در مقابل بیت فغور، در دره دفن کرد، و احدی
قبر او را تا امروز ندانسته است.
۷ و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش
تار، و نه قوتش کم شده بود.
۸ و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس
روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت.

۹ و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چونکه موسی دستهای خود را
 بر او نهاده بود، و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند، و بر حسب آنچه خداوند
 به موسی امر فرموده بود، عمل کردند.
 ۱۰ و نبی‌ای مثل موسی تا بحال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند
 او را روبرو شناخته باشد.
 ۱۱ در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنها را در زمین
 مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید.
 ۱۲ و در تمامی دست قوی، و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه
 اسرائیل نمود.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 1 Oct 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f